

بررسی عوامل مؤثر بر فردگرایی در میان دانشجویان دانشگاه‌های کاشان و علوم پزشکی کاشان

دکتر اسداله بابایی فرد^۱ و مرتضی بارانی^۲

تاریخ وصول: ۹۷/۳/۲۳

تاریخ پذیرش: ۹۷/۱۲/۱۸

چکیده:

فردگرایی به‌عنوان یکی از مسائل اجتماعی و فرهنگی در خور توجه جامعه‌ی مدرن است. با توجه به اینکه دانشجویان به‌عنوان قشر جوان و تحصیل‌کرده‌ی جامعه‌ی ایران به‌شمار می‌روند، آنان می‌توانند بهترین جامعه‌ی آماری برای سنجش پیامدهای مدرنیته باشند. از این‌رو پژوهش حاضر با روش کمی و با استفاده از پرسش‌نامه‌ی استاندارد میزان فردگرایی در بین دانشجویان دانشگاه کاشان و دانشگاه علوم پزشکی کاشان مورد سنجش قرار داده است. متغیرهای مستقل در راستای سنجش فردگرایی عبارتند از سرمایه‌ی فرهنگی، سرمایه‌ی اجتماعی، نقش گروه مرجع، سنت‌گرایی، دینداری، روابط اجتماعی، خودخواهی و عملکرد رسانه‌های ارتباط جمعی، که غالباً در چهارچوب نظریه‌های دورکیم، بوردیو، لرنر، کلمن و دیگر نظریه‌پردازان موضوع فردگرایی مورد بررسی قرار گرفتند. این متغیرها به‌صورت پرسش‌نامه از بین ۳۲۰ دانشجو سنجیده شده و پس از جمع‌آوری و تحلیل اطلاعات مشخص شد خودمداری، دینداری، مشارکت اجتماعی و روابط اجتماعی بر میزان فردگرایی تأثیر مستقیم و اعتماد اجتماعی و سنت‌گرایی بر آن تأثیر غیر مستقیم می‌گذارند. همچنین دینداری، مشارکت اجتماعی و روابط اجتماعی تأثیر معکوس و خودمداری تأثیر مستقیم بر فردگرایی داشتند.

مفاهیم کلیدی: سرمایه‌ی فرهنگی، سرمایه‌ی اجتماعی، سنت‌گرایی، دینداری، خودمداری

^۱ دانشیار گروه علوم اجتماعی دانشگاه کاشان، کاشان، ایران (نویسنده‌ی مسئول)

babaiefardm@gmail.com

^۲ کارشناس ارشد مطالعات فرهنگی دانشگاه کاشان، کاشان، ایران morteza.barani87@gmail.com

مقدمه و بیان مسأله

جامعه‌ی ایرانی هم‌اکنون در تلاطم تعارض و هم‌نشینی سنت و مدرنیته قرار دارد. وضعیت اجتماعی و فرهنگی ایران طی سده‌های اخیر تحولات و تغییرات خرد و کلانی را به خود دیده است. از یک‌سو دولت‌های مرکزی، صاحبان قدرت دینی، فرهنگی و اجتماعی داخلی بر فرهنگ و جامعه نفوذ داشتند، و از سوی دیگر دولت‌های خارجی، قدرت صنعت فرهنگ جهانی (و یا چند جهانی)، اقتصاد و رسانه فرهنگ و جامعه‌ی ایرانی را به سمت منافع و خواسته‌های خود هدایت و یا جذب کردند. در میان اتفاقات تاریخی سده‌ی اخیر، برخی به‌صورت ناگهانی و برخی به‌صورت تدریجی فرهنگ ایرانی را تغییر دادند. این تغییرات در موارد بسیاری به دلیل عدم پذیرش از سوی طیفی از جامعه و یا عدم مطابقت با ویژگی‌های فرهنگی کشورمان باعث بروز مسائل فرهنگی و اجتماعی شد. اشتغال زنان، شهرنشینی، فرار مغزها، تکون هویت ایرانی و فردگرایی از جمله مهم‌ترین مسایل اجتماعی و فرهنگی در خور توجه در این زمینه است.

ایران اکنون در دوره‌ی گذار قرار دارد و ساختارهای سنتی به‌صورت تدریجی جای خود را به ساختارهای مدرن و جهانی می‌دهند. در این میان هم با از بین رفتن و یا تضعیف شدن ساختارهای سنتی و هم با ورود مفاهیم و الگوهای فرهنگی مدرنیته، شاهد پدیده‌ی فردگرایی در سطح جامعه هستیم. در پژوهش حاضر میزان تأثیر الگوهای فرهنگی مدرنیته و تغییرات فرهنگی داخلی بر این پدیده مورد بررسی قرار خواهد گرفت. همچنین با شناسایی مهم‌ترین ابعاد این پدیده تأثیر هر کدام از آن‌ها مورد تحلیل قرار خواهد گرفت. واژه‌ی فردگرایی معادل کلمه‌ی *Individualism* است که از ریشه‌ی کلمه‌ی لاتین *Individuus* به معنای جدا کردن و تقسیم شدن گرفته شده است و در واقع این مفهوم به معنای غیرقابل تفکیک‌ترین عنصر انسانی (فرد) است (Rahmatpour, 1991:97). مفهوم فردگرایی در واقع زاده‌ی دنیای مدرن و مطرح شده بعد از دوره‌ی رنسانس است. مفهوم جهانی شدن که کمتر از ده سال رواج بسیاری یافته، در معانی متفاوتی بیان شده است که رایج‌ترین آن‌ها گسترش بی‌سابقه‌ی الگوهای فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی کشورهای پیشرفته‌ی صنعتی در جهان است. از جمله این الگوها، الگوی فردگرایی است (Behravan and Alizadeh, 2008:2).

همچنین واژه‌ی فردگرایی دارای دو معنای عام است، که غالباً از آن‌ها به‌عنوان فردگرایی مثبت و منفی یاد می‌شود. بعد مثبت فردگرایی به‌عنوان استقلال فردی، اتکا به خویشتن (Kivisto, 1999: 19) و جستجوی نفع فردی در راستای نفع جمعی است.

بنابراین این تعریف با مفهوم خودخواهی و فردگرایی خودمدارانه متفاوت است و از ویژگی‌های توسعه‌یافتگی محسوب می‌شود (*Javadi Yeganeh and Hashemi, 2008:146-145*). در واقع فردگرایی مثبت از نتایج زندگی مدرن و جامعه‌ی دموکراتیک است. فردگرایی مورد نظر این پژوهش با واژه‌هایی از قبیل خودمداری، خودخواهی و غیره متفاوت است. خودمحوری در برابر دیگر محوری^۱ قرار می‌گیرد. تلاش برای ارضای تمایلات فردی و عدم توجه به دیگران و امیال و نیازهایشان بعد اخلاقی خود محوری است. فردگرایی مورد نظر، مفهومی در مقابل جمع‌گرایی^۲ است، که در معنای سوسوری آن و در تقابل‌های دوتایی قابل درک است. بنابراین، بعد منفی فردگرایی که منجر به جدانشدگی، خودمداری، تکروی و عدم احساس اعتماد و تعهد است موضوع پژوهش قرار گرفته است. در این میان هم جنبه‌های داخلی (شرایط اجتماعی، فرهنگی و تاریخی) و هم جنبه‌های فراملی (جهانی‌شدن و مدرنیته) مرتبط که باعث گسترش پدیده‌ی فردگرایی شده است مورد ارزیابی قرار گرفته است.

بر اساس موضوع حاضر، عوامل مؤثر بر فردگرایی در بین دانشجویان به‌عنوان نمونه‌ای از قشر جوان کشور مورد بررسی قرار می‌گیرد. در تبیین ریشه‌های این پدیده دلایل بسیاری مطرح شده است که به مهم‌ترین آن‌ها اشاره می‌شود. بر طبق پژوهش‌های انجام شده در حوزه‌ی فردگرایی و بررسی آن در بین ایرانیان برخی از مؤلفان به ریشه‌های تاریخی، فرهنگی و اجتماعی اشاره کرده‌اند، برخی به فردگرایی به‌عنوان ویژگی ایرانیان که در گذشته مفهومی مثبت و اکنون به‌عنوان مفهومی منفی تبدیل شده، اشاره کرده‌اند (*Ibid:152-155*). بنابراین در پژوهش حاضر بر اساس فرضیه‌هایی که اشاره خواهد شد دلایل عمده‌ی این پدیده در بین جامعه‌ی مورد نظر بررسی خواهد شد. با توجه به اینکه ایران هم‌اکنون در دوره‌ی گذار قرار دارد و سازمان‌ها و نهادها در تلاش برای توسعه و پیشرفت هستند و از سوی دیگر در عصر ارتباطات و جهانی‌شدن مردم اغلب کشورها متأثر از فرهنگ و ویژگی‌های جامعه‌ی جهانی به‌عنوان دهکده‌ی جهانی^۳ قرار دارند، لازم است تا تغییرات و پیامدهای تأثیرگذار بر فرهنگ و جامعه‌ی مورد بررسی قرار گیرند. فردگرایی هم به‌عنوان یکی از ویژگی‌های دنیای مدرن (متجدد) و هم به‌عنوان یکی از خصوصیات

¹ altruism

² collectivism

³ global village

ایرانیان (با توجه به ریشه‌های تاریخی آن) لازم است مورد بررسی موشکافانه و دقیق قرار گیرد تا ریشه‌های آن شناخته و پیامدهای احتمالی آن بر فرهنگ و جامعه تحلیل شود.

با توجه به این که قشر دانشگاهیان جامعه‌ی ما در حال افزایش است و در نتیجه حجم بسیار بیشتری از جوانان (نسبت به گذشته) با مراکز آموزش عالی در ارتباط هستند، دانشجویان و استادان را می‌توان به‌عنوان یکی از مهم‌ترین بخش‌های جامعه که تأثیر به‌سزایی در آینده‌ی کشور دارند، را مورد تحلیل قرار داد. در پژوهش حاضر نیز فردگرایی به‌عنوان پدیده‌ای که ریشه‌های گسترده‌ای در خصوصیت ایرانی بودن دارد، به‌عنوان یکی از مهم‌ترین چالش‌ها در نظر گرفته می‌شود. در این میان برخی از متغیرها که احتمالاً بر میزان فردگرایی تأثیرگذار هستند مورد بررسی قرار خواهند گرفت و میزان تأثیر آنان نیز سنجیده خواهد شد. همچنین در جامعه‌ی ایران معاصر به دلایلی پدیده‌ی خودمداری در بین مردم تشدید یافته است. پراکندگی و خودبسندگی جوامع و تضاد بین آنان و افزایش خودمداری، وجود حکومت‌های خودکامه و نبود مقاومت‌های اجتماعی در برابر آن و شیوه‌ی زندگی ایرانیان در قرن‌های اخیر که غالباً وابسته به زندگی ایلی و مناسبت‌های خونی بوده است، همگی از مهم‌ترین دلایل تشدید خودمداری در جامعه قلمداد می‌شود.

با توجه به موارد مطرح شده می‌توان نتیجه گرفت پدیده‌ی فردگرایی با توجه به موقعیت اجتماعی و فرهنگی ایران، به‌عنوان یک آسیب اجتماعی و فرهنگی مورد توجه قرار می‌گیرد. حال با مطرح شدن این فرضیه‌ها لازم است درستی و میزان تأثیر هر کدام از این متغیرها مورد سنجش قرار گیرد. کم بودن تمایلات جمع‌گرایانه در هر جامعه‌ای به خصوص جامعه ما می‌تواند پیامدها و آسیب‌های جدی به همراه داشته باشد. در بعد اجتماعی مقوله‌ی اخلاق شهروندی و رعایت حقوق سایر شهروندان و موضوع انضباط اجتماعی، مسئله‌ای است که با جمع‌گرایی در سطح کلان ارتباط دارد و منشأ بروز بسیاری از مشکلات در جامعه‌ی ما به کم بودن میزان رفتارهای جمع‌گرایانه باز می‌گردد. در سطح اقتصادی نیز نداشتن وجدان کاری و لحاظ نکردن مصالح سازمان و نهادی که یک فرد در آن عضو و یا به آن وابسته است، یکی از دلایل و ریشه‌های توسعه‌نیافتگی محسوب می‌شود (*Ibid: 142-144*). باید اشاره کرد شرایط اجتماعی مانند پایین بودن اعتماد و مشارکت اجتماعی نیز در کنار شرایط فرهنگی جامعه‌ی مورد نظر (دانشجویان دانشگاه کاشان و دانشگاه علوم پزشکی کاشان) سنجیده و تأثیر آن بر فردگرایی سنجیده خواهد شد.

در مجموع فرضیه‌هایی در رابطه با تأثیر داشتن متغیرهایی در تضعیف و تقویت این پدیده در جامعه‌ی آماری حاضر ارائه شده است که این بحث‌ها در فضای مطالعات فرهنگی

و جامعه‌شناختی و با استفاده از نظریات صاحب‌نظران آن مورد بررسی قرار خواهد گرفت. همچنین تأثیر متغیرهایی مانند قدرت (گروه مرجع)، هژمونی و ابعاد متفاوت سرمایه‌ی فرهنگی و اجتماعی در رابطه با پدیده‌ی فردگرایی مطرح شده و تأثیر آن‌ها را بر این پدیده و زمینه‌های تقویت و تضعیف آن در بین دانشجویان مورد بررسی قرار خواهد گرفت. هدف کلی و عام مقاله‌ی حاضر بررسی عوامل اجتماعی مؤثر بر پدیده‌ی فردگرایی در بین دانشجویان است. که به‌صورت مطالعه‌ی موردی در بین دانشجویان دانشگاه‌های کاشان و دانشگاه علوم پزشکی کاشان انجام می‌شود. همچنین اهداف خاص پژوهش شامل بررسی تأثیر میزان فردگرایی دانشجویان و بررسی رابطه‌ی آن با خودمداری، ریشه‌ی تاریخی و فرهنگی ایرانیان، سرمایه‌ی اجتماعی، نقش گروه مرجع، سنت‌گرایی، گرایش‌های دینی، روابط اجتماعی و نقش رسانه است.

پیشینه پژوهش

در پژوهش حاضر ابتدا به نظریات ارائه شده در رابطه با پدیده‌ی فردگرایی در دو بخش فردگرایی مثبت و فردگرایی منفی اشاره خواهد شد. سپس از میان این نظریات چارچوب نظری مورد نظر در راستای سنجش فرضیات مورد بحث و بررسی قرار خواهد گرفت. محققان بسیاری در رابطه با فردگرایی موضوعات و نظریات خود را بیان کرده‌اند. اما این مفهوم در حوزه‌های مختلف علوم اجتماعی دارای معانی کم و بیش متفاوتی است. در این میان می‌توان حوزه‌ی ارزش‌ها (Hofstede, 1980; Kluckhohn and Strodtbeck, 1961)، نظام اجتماعی (Parsons and Shils, 1951)، مذهب (Bakan, 1966)، تجدد (Inkeles and Smith, 1974; Taylor, 1989)، ایدئولوژی (Dumont, 1986) و الگوهای فرهنگی (Hsu, 1983) را نام برد (Triandis et al, 1990 and Triandis and Gelfland, 1989; Kim, Vosoughi and Mirzaei, 2008). در بحث فردگرایی مثبت باید به آرای *Durkheim* و *Tocqueville* اشاره کرد. دورکیم در تعریف معنای مثبت فردگرایی بحث خود را درباره‌ی فردگرایی اخلاقی^۱ مطرح کرده است. از نظر دورکیم، فردگرایی اخلاقی هیچ تخصی با دولت و دموکراسی ندارد و حتی توسعه‌ی دولت و پیشرفت دموکراسی و فردگرایی جمعی را در جریان تکامل اجتماعی قلمداد می‌کند. در واقع این مفهوم به معنای مسئول بودن در قبال جامعه و اخلاق مدنی

^۱ ethical individualism

است. وی این نوع فردگرایی را حاصل تقسیم کار اجتماعی قلمداد می‌کند (Rajabzadeh and Kosari, 2002: 38) دورکیم در کتاب تقسیم کار اجتماعی^۱ خود، فردگرایی اخلاقی را چنین تشریح کرد: فرد در پیوند با نظام اجتماعی و نظم اخلاقی آن شناخته می‌شود. این مفهوم بر پایه‌ی احساس همدردی یا رنج هم‌نوعان، آرزوی برابری و عدالت قرار دارد (Vosoughi and Mirzaei, 2008). توکویل خودخواهی^۲ را در برابر فردگرایی قرار داده و معتقد است، فردگرایی در صورتی که رشد بیمارگونه داشته باشد، به دیگران نیز حمله برده و همه‌ی آن‌ها را نابود می‌کند.

توکویل تلاش بسیاری داشت که از فردگرایی افراطی جلوگیری کند، زیرا در آن صورت تبدیل به خودخواهی می‌شود که دارای جنبه‌های خطرات بسیاری است. وی در بیان خطر فردگرایی افراطی چنین می‌گوید: «هرکس دوباره تا ابد تنها به حال خود رها می‌شود و این خطر وجود دارد که در تنهایی دل خویش زندانی شود» (Kivisto, 1999: 122-124). پارسونز نیز مانند بسیاری از جامعه‌شناسان ساختارگرا و طرفدار نظم، با این دیدگاه به فردگرایی نگاه می‌کند که چگونه می‌توان فردگرایی یا آزادی عمل فرد را با نظم اجتماعی آشتی داد. وی از فردگرایی نهادینه شده^۳ سخن به میان می‌آورد و آن را پاسخی برای رابطه‌ی نظم اجتماعی و عدم اختلال در آزادی فردی بیان می‌کند. در واقع از دیدگاه وی فرد به‌عنوان شخصیت با یک نظام تمایلات تفکیک شده و منسجم هنجاری است که حائز اخلاق مسئولیت و در یک نظم اجتماعی منسجم، همزمان در جهت منافع فردی و جمعی، به‌صورت خلاق، نقاد و سازنده حرکت می‌نماید. پارسونز این وضعیت را خودمختاری نامید (Chalabi, 1996: 29).

همچنین باید به دیدگاه نظریه‌پردازان مطالعات فرهنگی در رابطه با موضوع فردگرایی اشاره کرد. برای نمونه Williams معتقد است فرد و فردگرا، در اصل به معنای بخش‌ناپذیر و جدایی‌ناپذیر است، چیزی که ممکن است در ظاهر پارادوکس به نظر آید. از دیدگاه ویلیامز هر چیز به چند طریق می‌تواند فرد نامیده شود. (۱) زمانی چیزی می‌تواند فرد نامیده شود که به هیچ وجه قابل تقسیم نباشد، مثل واحد و روح^۴، (۲) وقتی به‌خاطر سختی‌اش نتواند تقسیم شود، مانند فولاد، (۳) وقتی که نام خاصی باشد و نتوان آن را برای مورد مشابه آن بکار برد، مانند سقراط، افلاطون (Vosoughi and Mirzaei, 2008: 124-).

¹ the division of labor in society

² egotism

³ institutional individualism

⁴ spirit

126). همچنین وبر معتقد است شهر از قرون وسطی به بعد مرکز توسعه‌ی فردگرایی شد، که همراه با تخصصی شدن محیط شهری گسرش یافته است (Coser, 2009; Weber, 1991: 5). برگر نیز فردگرایی را به معنای امکان انتخاب فردی از میان واقعیت‌ها و هویت‌های مختلف در نظر گرفته است. در این صورت فرد می‌تواند به‌طور آگاهانه از میان هویت‌های در دسترس و موجود، هویتی را انتخاب کند (Aazam Azadeh and Tavakkoli, 2007: 106). Ulrich و Giddens معتقدند تغییرات عمیقی در خود جریان مدرنیته در حال شکل‌گیری است، اکنون ما به دوره‌ی جدیدی از مدرنیته وارد می‌شویم، که آن را مدرنیته‌ی متأخر، مدرنیته‌ی انعکاسی و یا مدرنیته‌ی ثانویه نام دارد. آنان اظهار دارند فردگرایی نیز یکی از ویژگی‌های اساسی این دوره‌ی جدید مدرنیته است. حتی بک در این زمینه معتقد است فردگرایی در حال تبدیل به ساختار اجتماعی خود مدرنیته‌ی ثانویه است (De Beer and Koster, 2009: 54). نیازهای جدید، کنترل‌ها و محدودیت‌های وارد شده بر افراد در جامعه‌ی مدرن، باعث شده مردم به شبکه‌ی قوانین، شرایط و شروط گره زده شوند. این شرایط افق فکری را برای زندگی مدرن ترسیم کرده است که لازمه‌ی آن تفکر، برنامه‌ریزی و اقدامات مدرن است (Beck and Beck-Gernsheim, 2002: 2-3).

از میان نظریه‌پردازانی که بعد منفی فردگرایی اشاره کردند، باید به آرای دورکیم، رایزمن، زیمل و پارک اشاره کرد. دورکیم فردگرایی افراطی را مذموم می‌پندارد و آن را معادل خودخواهی و حاصل گسستن فرد از پیوندهای اجتماعی می‌داند. وی این نوع فردگرایی را مربوط به اراده می‌داند و آن را منشأ آنومی سیاسی خطاب کرده است. در این صورت اراده‌ی افراد از تصورات جمعی و قواعد جامعه‌ی سیاسی سرپیچی می‌کند (Rajabzadeh and Kosari, 2002: 37-40). پارک معتقد است یکی از ویژگی‌های برجسته‌ی مدرنیته است، مدرنیته‌ای که خود سنت‌ها را ریشه‌کن می‌کند (Kivisto, 1999: 187-188). De Beer and Koster فردگرایی را فرایند سنت‌زدایی تعریف کرده است که در آن همبستگی افراد به نهادهای سنتی مانند خانواده، اجتماع، کلیسا و طبقه به‌طور تدریجی کاهش پیدا می‌کند (De Beer and Koster, 2009: 55). فردگرایی به این باور اطلاق می‌شود که موفقیت یا شکست هر فردی به تلاش‌ها و توانایی‌های فردی خود او بستگی دارد. سرمایه‌ی اجتماعی تا حدودی با فردگرایی منافات دارد. Coleman معتقد است فردگرایی افسانه رایج جامعه‌ی مدرن است (Sharee Pour, 2009: 315). بنابراین وجود خودخواهی و یا عدم توجه به منافع جمعی و گروهی، باعث کاهش اعتماد و

حس دگرخواهی بین افراد یک جامعه شده و آسیب‌های جدی را در برابر آن جامعه ممکن می‌سازد.

پژوهش‌هایی در رابطه با فردگرایی انجام شده است که برخی از آنان جنبه‌ی روان‌شناختی، برخی به صورت مقایسه‌ای و برخی نیز فردگرایی را به صورت عام و کلی این پدیده را مورد بررسی قرار داده‌اند. اما پژوهش حاضر با انتخاب جامعه‌ی آماری به صورت نمونه‌ای و با استفاده از روش کمی، برخی از متغیرهای فرهنگی و اجتماعی را مورد سنجش و تحلیل قرار می‌دهد. در پژوهش حاضر پدیده‌ی فردگرایی به صورت موردی (دانشجویان دانشگاه کاشان و دانشگاه علوم پزشکی کاشان) و با استفاده از روش کمی انجام شده است. در ادامه به چند نمونه از پژوهش‌های انجام شده در جهان و ایران اشاره خواهد شد:

Blakely و Moorman مقاله‌ای با عنوان فردگرایی - جمع‌گرایی به عنوان تفاوت‌های فردی که رفتار شهروندی سازمانی را پیش‌بینی می‌کند، در زمینه‌ی فردگرایی نوشته‌اند. نتایج این پژوهش نشان می‌دهند که اگر فردی ارزش‌ها و عقاید جمع‌گرایانه داشته باشد، به احتمال بیشتر وی رفتارهای شهروندی سازمانی خواهد داشت (*Moorman and Blakely, 1995: 127*). بر اساس نتایج این پژوهش مشخص شد که تفاوت‌های فردی تا حدی رفتار شهروندی سازمانی را پیش‌بینی می‌کند (*Ibid:139-141*). مقاله‌ی فردگرایی: بُعد مهم و معتبر تفاوت‌های فرهنگی بین ملت‌ها، نوشته‌ی *Schimmack, Oishi* و *Diener* است. بر اساس مقاله‌ی حاضر، نبود اعتبار همگرا در سنجش میزان فردگرایی به دلیل تفاوت‌های ملیتی در شیوه‌ی پاسخ‌دهی است. بر اساس نتایج این پژوهش فردگرایی بُعد معتبر و موثق تفاوت‌های فرهنگی است و فردگرایی تنها یک بعد تفاوت‌های فرهنگی محسوب شده است (*Schimmack, Oishi and Diener, 2005: 18-30*). تنوع فردگرایی و جمع‌گرایی درون و بین بیست کشور، عنوان مقاله‌ی *Eva Green, Jean-Claude Deschamps and Dario Paez* است. در مقاله‌ی مذکور مردم بیست کشور با حجم نمونه ۲۵۳۳ نفر مورد بررسی قرار گرفته‌اند. نتایج این پژوهش نشان داد حتی در نمونه‌های دانشجویان که آشکارا متجانس بودند، تنوع درون کشوری وجود دارد و استفاده از استراتژی گونه‌شناسی برای تفاوت‌های درون کشوری مناسب است. در این پژوهش نگرش افراد نسبت به رقابت‌پذیری، اعتماد به نفس و وابستگی متقابل مورد سنجش قرار گرفته است (*Green et al, 2005: 321-330*).

همچنین مهم‌ترین کارهای انجام شده در این زمینه در ایران بدین قرارند: مقاله‌ی بهروان و علیزاده با عنوان بررسی فردگرایی و عوامل مؤثر بر آن در بین دانشجویان دانشگاه فردوسی مشهد، که در این مقاله میزان فردگرایی در بین دانشجویان دانشگاه فردوسی مشهد متوسط رو به بالا ارزیابی شده است. متغیرهای تعدد نقش، خلوت شخصی و شبکه‌ی روابط اجتماعی تأثیر مثبت بر فردگرایی و متغیر سنت‌گرایی تأثیر منفی بر فردگرایی داشته است. نتایج این پژوهش نشان داد: (۱) هر چه تعدد نقش‌ها افراد در مجموعه نقش‌ها بیشتر باشد فردگرایی آن‌ها هم افزایش می‌یابد. (۲) هر چه میزان خلوت شخصی بیشتر باشد فردگرایی آنان نیز بیشتر است و (۳) هر چه مدت سکونت در شهر بیشتر باشد میزان فردگرایی بیشتر است (Behravan and Alizadeh, 2008).

جوادی یگانه و هاشمی در پژوهشی با عنوان نگاهی جدید به مناقشه‌ی فردگرایی و جمع‌گرایی در جامعه‌شناسی به بررسی مفهوم دوراهی اجتماعی به‌عنوان یکی از جدیدترین مفاهیم ارائه شده در مناقشه‌ی فردگرایی و جمع‌گرایی می‌پردازد. از نتایج این پژوهش می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: (۱) مفهوم فردگرایی، بسیط و بدون تاریخ نیست و می‌توان از آن در تحلیل رفتارهای اجتماعی در ایران استفاده کرد. (۲) فردگرایی در طول تاریخ از مفهومی مثبت به مفهومی منفی تبدیل شده است و (۳) در نیمه‌ی دوم قرن بیستم فردگرایی افراطی و بی‌توجهی به تحقق منافع فردی از طریق منافع جمعی به‌عنوان یک شاخص منفی مورد توجه قرار گرفته است (Javadi Yeganeh and Hashemi, 2005).

در مقاله‌ی رابطه فردگرایی و جمع‌گرایی با شیوه‌ی دانستن مستقل و ارتباطی در دانشجویان ایرانی و آمریکایی است که توسط اسعدی و همکاران به نگارش در آمده است، با استفاده از شیوه‌ی پرسش‌نامه، میزان فردگرایی و جمع‌گرایی در بین ۳۹۸ دانشجوی ایرانی و ۲۷۷ دانشجوی آمریکایی از رشته‌های مختلف، مورد بررسی قرار گرفته است. بر اساس یافته‌های این پژوهش شیوه‌ی دانستن (یادگیری) مستقل با فردگرایی و شیوه‌ی دانستن (یادگیری) ارتباطی با جمع‌گرایی همبستگی معنی‌داری داشت. میانگین نمرات شیوه‌ی دانستن مستقل و فردگرایی عمودی به‌طور معنی‌دار در دانشجویان پسر بیشتر از دانشجویان دختر و در دانشجویان ایرانی بیشتر از دانشجویان آمریکایی بود (Asaadi et al, 2006).

در مجموع پژوهش‌هایی که به آن‌ها اشاره فردگرایی را مورد سنجش و تحلیل قرار داده‌اند، اما تفاوت‌هایی بین پژوهش حاضر با آن‌ها وجود دارد؛ ابتدا باید اشاره کرد به لحاظ روشی مانند برخی از این پژوهش‌ها، پژوهش حاضر نیز از روش کمی استفاده کرده و

داده‌ها از طرق پرسش‌نامه‌ی استاندارد جمع‌آوری شده‌اند. اما نکته این است که هیچ‌کدام از پژوهش‌های فوق از دید مطالعات فرهنگی به پدیده‌ی فردگرایی نگاه نکرده است و یا فقط در مباحث نظری اشاره‌ی مختصری به آن کرده‌اند. ضمناً متغیرهای پژوهش حاضر تا حدی با متغیرهای برخی از پژوهش‌ها همانند است، اما با توجه به اینکه جامعه‌ی آماری مورد نظر این تحقیق دانشجویان است، یکی از مهم‌ترین متغیرها نمود فردگرایی در انجام پژوهش‌های علمی است که در هیچ‌کدام از پژوهش‌های فوق به آن پرداخته نشده است.

چهارچوب نظری پژوهش

همان‌طور که در بحث مبانی نظری اشاره کردیم آرای متفکران در رابطه با فردگرایی به دو دسته فردگرایی مثبت و منفی تقسیم و ارائه شد. اکنون نظریات مربوطه را با توجه به فرضیات پژوهش حاضر و در چارچوب آن‌ها مطرح خواهیم کرد. فردگرایی مورد نظر در پژوهش حاضر در واقع همان فردگرایی افراطی مورد نظر دورکیم است که آن را منشأ آنومی سیاسی می‌داند. در واقع افراد به‌گونه‌ای فردی شده‌اند که منافع و هدف‌های‌شان در راستای منافع جمع نیست. البته لزوماً یک‌سو نبودن منافع جمعی و فردی به معنای در تضاد بودن آن نیست، بلکه صرفاً به معنای عدم وجود فردگرایی اخلاقی مورد نظر دورکیم است. بدین معنا که این منافع و اهداف نمی‌تواند حاصل تقسیم کار اجتماعی باشد. از میان نظریه‌پردازانی که بعد منفی فردگرایی اشاره کردند، به آرای دورکیم، رایزن، زیمل و پارک اشاره شد. دورکیم فردگرایی افراطی را مذموم می‌پندارد و آن را معادل خودخواهی و نتیجه‌ی گسستن فرد از پیوندهای اجتماعی می‌داند. همچنین پارک فردگرایی را یکی از ویژگی‌های برجسته‌ی مدرنیته می‌داند که باعث ریشه‌کن شدن سنت‌ها است. فردگرایی به این باور اطلاق می‌شود که موفقیت یا شکست هر فردی به تلاش‌ها و توانایی‌های فردی خود او بستگی دارد. بنابراین وجود خودخواهی و یا عدم توجه به منافع جمعی و گروهی، باعث کاهش اعتماد و حس دگرخواهی بین افراد یک جامعه شده و آسیب‌های جدی را در برابر آن جامعه ممکن می‌سازد.

در صورتی که به متغیرهای اصلی کنش اجتماعی مورد نظر پارسونز توجه کنیم، یکی از آن‌ها منافع جمعی است که در برابر منافع فردی قرار دارد. عمل‌کننده‌ی اجتماعی می‌تواند با توجه به اهداف و منافع خود عمل کند و یا اینکه منافع و اهداف جمع را در نظر بگیرد. بنابراین عمل‌کننده اختیار دارد بین فردگرایی و جمع‌گرایی یکی را انتخاب کند. پارسونز این احتمال و امکان را در کنار دیگر متغیرهای اصلی مانند دلبستگی، خاص‌گرایی

و کیفیت ذاتی کنش قرار داده است. همچنین وبر فرد را موجودی اجتماعی و آفریننده‌ی نظام اجتماعی می‌داند. وی برای ارائه‌ی مفهوم فردگرایی از مفاهیم کنش و انتخاب عقلانی استفاده کرده است. به عقیده‌ی وی کنش عقلانی هدفمند معطوف به مجموعه‌ای از اهداف است که ابزار و نتایج ثانوی آن همگی به شکل عقلانی در نظر گرفته و مورد سنجش واقع شده باشند. همچنین در نظر وی در جامعه‌ی مدرن نه ساختاری کلان اجتماعی و اقتصادی و نه روایت‌های فردی بلکه عقلانیت تعیین کننده‌ی وضعیت عمل فردی است. در نظر او عقلانیت نگرشی فراگیر است که در تمام ابعاد زندگی اجتماعی تغییراتی را به وجود آورده است (Azam Azadeh and Tavakkoli, 2007: 104). بنابراین می‌توان نتیجه گرفت منظور وبر از ایجاد تغییرات توسط عقلانیت حرکت او جامعه‌ی سنتی به سمت جامعه‌ی مدرن است.

Triandis نظریه‌پرداز دیگری است که فرهنگ‌های فردگرا و جمع‌گرا را مطالعه کرده است. وی تلاش داشت با شناسایی دقیق این دو فرهنگ، مقیاسی استاندارد برای اندازه‌گیری آن‌ها ایجاد کند. در دیدگاه او گرایش‌های فردگرایانه تعریف از خود غیر وابسته و به صورت یک هستی جداگانه ظاهر شده و در روابط بر عقلانیت می‌شود. در این فرهنگ افراد اختلافات شناختی بسیاری را تجربه کرده و در تعیین رفتار بیشتر بر گرایش‌های فردی تا هنجارهای موجود تکیه می‌کنند. در مقابل آن فرهنگی‌های جمع‌گرا از اصولی مانند خود پیوسته با دیگران و پیروی از هنجارهای گروه تبعیت می‌کنند. در این جوامع افراد اختلافات شناختی کمی را تجربه می‌کنند و اطاعت، وظیفه‌شناسی و هماهنگی با گروه جزء اولویت است (*Ibid: 107*).

کشور ایران در طول سده‌های اخیر به دلایل تاریخی و فرهنگی در مقایسه با کشورهای توسعه‌یافته به‌گونه‌ی پراکنده‌ای اداره شده است. به‌عنوان نمونه عدم وجود راه‌های ارتباطی، وجود روابط قومی و قبیله‌ای باعث شده هر کدام از اقوام و قبیله‌های ایرانی برای رفع نیازهای خود تا حد بسیاری مستقل عمل کنند. در این رابطه بودن و بوریکو به خوبی به این نکته اشاره کرده‌اند. از سویی به دلیل نبود امکانات ارتباطی پیشرفته، بازارها محکوم‌اند محلی و محدود بمانند، از سوی دیگر پایین بودن میزان بهره‌وری باعث پایین ماندن سطح درآمد میانگین شده و در نتیجه دولت نمی‌تواند درآمدهای خود را برای توسعه‌ی وسایل حمل و نقل هزینه کند (Boudon and Bourricaud, 2006: 218)، که منجر به بالا ماندن سطح فردگرایی سازمانی در این جوامع شده است. در تبیین ریشه‌های این پدیده دلایل بسیاری مطرح شده است که به

مهم‌ترین آن‌ها اشاره می‌شود. بر طبق پژوهش‌های انجام شده در حوزه‌ی فردگرایی و بررسی آن در بین ایرانیان برخی از مؤلفان به ریشه‌های تاریخی، فرهنگی و اجتماعی اشاره کرده‌اند؛ برخی به فردگرایی به عنوان ویژگی ایرانیان، که در گذشته مفهومی مثبت بوده و اکنون به‌عنوان مفهومی منفی تبدیل شده، اشاره کرده‌اند (*Javadi Yeganeh and Hashemi, 2008: 152-155*) و برخی دیگر به نقش روشنفکران در این زمینه اشاره داشته‌اند، همان‌طور که قاضی مرادی می‌گوید: «نقش روشنفکران: روشنفکر خودمدار آن‌چه را که خود حقیقت تشخیص می‌دهد، به‌عنوان حقیقت مطلق تلقی و آن را برای پیروی به مردم معرفی می‌کند» (*Ghazi Moradi, 1999: 34-36*).

یکی دیگر از فرضیه‌های پژوهش حاضر که تأثیر آن بر پدیده‌ی فردگرایی مورد سنجش قرار خواهد گرفت، خودمداری است. خودخواهی بیانگر فردی است که به منظور برآوردن امیال و هدف‌های خودخواهانه‌ی خود نسبت به دیگران بی‌توجه باشد. در این حالت اگر هم هماهنگی منافع مورد نظر باشد، تنها از نقطه نظر نفع شخصی پیگیری می‌شود (*Vosoughi and Mirzaei, 2008: 120*). این مفهوم را به‌عنوان یکی از ویژگی‌های جامعه‌ی ایرانی که بر فردگرایی منفی تأثیرگذار است مطرح شده است. خودمداری یا خودخواهی بیان‌گر ارضای امیال و منافع شخصی است، در صورتی که این منافع با منافع جمعی و گروهی در تعارض باشد. قاضی مرادی در اثر خود به نام در پیرامون خودمداری ایرانیان برخی از ابعاد رفتارهای شخصیت خودمدارانه را داشتن ذهنیت استبدادزده، سترونی و تقلید، فقدان عشق و دوستی، ناامیدی و حس حقارت قلمداد کرده است. به عقیده‌ی وی در حوزه‌ی خودمداری هر فعالیتی متعلق به حوزه‌ی شخصی و خصوصی زندگی در نظر گرفته می‌شود. در واقع خودمداری استغراق در من‌بودگی است (*Tabatabaei, 2001; Ghazi Moradi, 1999: 38-30*). بنابراین منافع و اهداف شخصی افراد خودمدار برایشان در اولویت قرار می‌گیرد. این افراد در خواسته‌های خود غرق می‌شوند، به‌طوری‌که ممکن است برای دستیابی به اهداف خود منافع دیگران را زیر پا بگذارند.

همچنین وی در بحث ویژگی‌های عاطفی خودمداری، فقدان عشق و دوستی، ناامیدی و حقارت را از جمله این ویژگی‌ها نام می‌برد. انسان خودمدار از ایجاد روابط دوستانه ناتوان هستند، نسبت به دیگران بی‌اعتماد هستند، عمل مشترک در بین آنان ضعیف است و افراد نسبت به آینده امیدوار نیستند. یکی از دلایل اصلی ناامیدی ایرانیان شرایط مادی زندگی ناشی از طبیعت خشک و بی‌حاصل و تلاش سخت برای تهیه معیشت بوده است (*Ibid:*).

160-167). در مجموع با توجه به ویژگی‌های عاطفی، کرداری و فکری که توسط قاضی مرادی بیان شد، باید دید آیا خودمداری بر میزان فردگرایی تأثیرگذار است. سرمایه‌ی فرهنگی یکی از مهم‌ترین ابعاد تأثیرگذار بر فردگرایی است. حال خود این مفهوم دارای دو بعد ذهنی و عینی است. بعد عینی سرمایه‌ی فرهنگی مربوط به سطح تحصیلات و توانایی‌های علمی افراد است و بعد ذهنی آن استفاده‌ی عملی از بعد عینی این سرمایه است. در پژوهش حاضر با استفاده از نظریات پیر بوردیو به رابطه‌ی بین سرمایه‌ی فرهنگی و فردگرایی پرداخته‌ایم.

تحلیل بوردیو درباره اشکال گوناگون سرمایه و روند پویای تغییر شکل آن‌ها در عرصه‌های مختلف یکی از بدیع‌ترین و مهم‌ترین ویژگی‌های نظریه اوست (Jalaiepour and Mohammadi, 2008: 320). یکی از بحث‌های اصلی مطرح شده توسط بوردیو مفهوم سرمایه‌ی است که دارای اشکال چهار شکل سرمایه‌ی اقتصادی، سرمایه‌ی فرهنگی، سرمایه‌ی اجتماعی و سرمایه‌ی نمادین است. این سرمایه‌ها در جوامع مدرن غالباً با هم مرتبط هستند، چنانچه سرمایه‌ی فرهنگی نوعاً به سرمایه‌ی اقتصادی باز می‌گردد (Noghani, 2007: 23). مفهوم سرمایه‌ی فرهنگی به مفهوم بازتولید فرهنگی نیز گره خورده است، که اشاره به وسایلی دارد که به کمک آن‌ها مدارس برای یادگیری ارزش‌ها، نگرش‌ها و عادت‌ها تأثیر می‌گذارد. بنابراین باید به تأثیر فراوان سرمایه‌ی فرهنگی در جامعه‌پذیری و پیشرفت افراد در جامعه اشاره کرد. زیرا به گفته‌ی بوردیو این چهار نوع سرمایه بین افراد و یا گروه‌های اجتماعی رد و بدل شده (Fakouhi, 2007: 299-300) و تبدیل‌پذیر است (Jamshidiha and Parastesh, 2006: 23).

نوع دیگر سرمایه که در بحث‌های بوردیو به آن پرداخته شده سرمایه‌ی اجتماعی است و منظور از آن مجموع منابع بالفعل و بالقوه که کنشگران از طریق عضویت در شبکه‌های اجتماعی و سازمان‌ها به دست می‌آورند (Noghani, 2007: 77). از دیدگاه کلمن، سرمایه‌ی اجتماعی بخشی از ساختار اجتماعی است که به کنشگر اجازه می‌دهد تا با استفاده از آن به منابع خود دست یابد. وی وجود سرمایه‌ی اجتماعی را در اعتماد، اطلاع‌رسانی و ضمانت اجراهای کارآمد، روابط اقتدار و میزان تکالیف در گروه می‌داند. همچنین، باید به اجزای سرمایه‌ی اجتماعی اشاره کرد: (۱) پیوندهای عینی میان افراد، که منظور از آن نوعی ساختار شبکه‌ای عینی است و برقرار کننده‌ی ارتباط بین افراد در فضای اجتماعی عینی است، (۲) پیوندهای ذهنی میان افراد، که مربوط به وجود اعتماد و هیجانات مثبت در ارتباطات میان افراد است (Sharee Pour, 2009: 300-305).

در پژوهش حاضر به اعتماد اجتماعی و مشارکت اجتماعی به‌عنوان دو بعد مهم سرمایه‌ی اجتماعی و تأثیر آن‌ها بر فردگرایی تأکید شده است و هر کدام از این ابعاد در ادامه به وسیله‌ی نظریات مختلف مورد بررسی قرار خواهند گرفت. اعتماد به معنای قبول ریسک در موقعیتی اجتماعی و مبتنی بر حس اطمینان است که دیگران نیز در موقعیت مشابه به همین‌گونه عمل کنند و شیوه‌ی حمایت‌کننده را پیش گیرند. به تعبیر *Francis Fukuyama*: «اعتماد انتظاری است که در یک اجتماع منظم، صادق و دارای رفتار تعاونی خود را نشان می‌دهد» (*Ibid: 306*). کلمن نیز معتقد است، در صورتی که سطح اعتماد در بین افراد جامعه پایین باشد، نهاد آن جامعه از بین خواهد رفت (*Coleman, 2007: 103*). بعد دوم سرمایه‌ی اجتماعی مشارکت اجتماعی است و منظور از آن همکاری و مشارکت افراد و گروه‌های اجتماعی در جهت منافع جمعی جامعه است. شبکه‌های مشارکت مدنی هنجارهای قوی جامعه را تقویت، ارتباطات را تسهیل و جریان اطلاعات را در مورد قابل اعتماد بودن افراد بهبود می‌بخشند (*Nateghpour and Firouzabadi, 2005: 62*). بنابراین، با افزایش همبستگی، همکاری و اعتماد در بین افراد، بهره‌وری نیز افزایش پیدا می‌کند. بوردیو نیز به مشارکت فرد در شبکه‌های اجتماعی تأکید می‌ورزد، زیرا این مشارکت سبب دسترسی به امکانات و منابع گروه می‌شود و در نهایت منجر به بهبود شرایط اقتصادی می‌شود. بنابراین سرمایه‌ی اجتماعی محصولی اجتماعی است که ناشی از تعامل‌های در سطح اجتماع به دست می‌آید (*Sharee Pour, 2009:300*). همچنین بافت کشورهای در حال توسعه به دلیل ضعف سرمایه‌ی اجتماعی از اجتماعات کوچک و جدا از هم تشکیل شده است (*Boudon and Bourricaud, 2006:219*). بنابراین جامعه‌ی سنتی ایرانی ضعف در حوزه‌ی سرمایه‌ی اجتماعی باعث شده جامعه‌ی ایرانی به دلایل جغرافیایی و سیاسی به سمت فردگرایی پیش رود و جوامع کوچک شهری و روستایی برای رفع نیازهای خود به‌گونه‌ای مستقل عمل کنند.

استادان دانشگاه‌ها و وزارت علوم به‌عنوان گروه مرجع دانشجویان دانشگاه‌ها محسوب می‌شوند و سیاست‌های وزارت علوم و دانشگاه‌ها و همچنین انتظارات و راهنمایی‌های استادان دانشگاه می‌توانند با اتخاذ تصمیم‌های متفاوت میزان فردگرایی کلان و خرد را در بین دانشجویان تغییر دهند. برای نمونه در صورت توجه به میزان پژوهش‌های انجام شده دانشجویان به‌صورت فردی و گروهی می‌توان به دلیل رغبت بسیار بیشتر آنان برای کارهای فردی دست پیدا کرد. بر اساس پژوهش انجام شده در بین برخی از دانشجویان تهران، سازمان‌بندی ساختاری و اجتماعی محیط آموزشی بر احساس خود اثربخشی دانشگاهی

دانشجویان تأثیر می‌گذارد، که در نهایت بر تلاش علمی و عملکرد آنان مؤثر است (Ghazi, 2001: 34). حتی در این رابطه می‌توان به ضعف ارتباطات و مبادلات علمی بین دانشجویان و استادان اشاره کرده است. عدم حضور و یا حضور کم‌رنگ استادان دانشگاه‌ها در انجمن‌های علمی گروه‌های مختلف نمونه‌ای از این ضعف ارتباط است. از نظر کوهن دانش‌الگویی مبتنی بر حجیت و اتوریته است. اجتماع علمی، متون و استاد منابع اقتدار در جامعه علمی هستند (9: Ghaneirad, 2006). بنابراین، اگر به موقعیت استادان در بین دانشجویان توجه شود، می‌توان گفت با اتخاذ سیاست‌ها و روش‌های گروه‌مدارانه از میزان فردگرایی در بین آنان کاسته و دانشجویان را به سمت کارهای گروهی و تعاملی به پیش برد.

جامعه‌ی ایرانی هم‌اکنون عرصه‌ی تضاد و کشاکش بین سنت و مدرنیته است. در این میان افراد و گروه‌های اجتماعی هر کدام در سطحی از این رابطه قرار دارند. David Reisman سه نوع شخصیت اجتماعی را مطرح کرده است که نخستین آن شخصیت سنت‌گرا است که آن را متناسب با جوامع کشاورزی می‌داند. دومین نوع آن شخصیت هدایت شده از درون است، که متناسب با جوامع در حال توسعه است. و سومین نوع آن شخصیت افراد جوامع سرمایه‌داری است که وی آن را هدایت شده از بیرون نامیده است (7: Behravan and Alizadeh, 2008). شخصیت افراد هر چه از سنت دور شود، به فردگرایی نزدیک‌تر می‌شود و البته نوع فردگرایی در بین دو شخصیت هدایت شده از درون و هدایت شده از بیرون متفاوت است. سنت ایرانی نیز دارای خصوصیت‌های جمع‌گرایانه‌ی بسیاری است. تا چند دهه پیش خانواده‌های گسترده، نظام غالب خانواده‌های ایرانی بود. افراد اهداف و زندگی خود را به سمت منافع گروهی و قومی پیش می‌برده‌اند. اما در چند دهه‌ی اخیر با توجه به مهاجرت‌های فراوان از روستا به شهر و افزایش جمعیت شهرنشینی خصوصیت‌های جمع‌گرایانه کاهش یافته است. حال دانشجویان با ورود به دانشگاه، وارد جامعه‌ی جدید و دور از خانواده‌های هسته‌ای شده‌اند و طبیعتاً به دنبال استقلال نسبی و اتخاذ تصمیم‌های فردی هستند.

همان‌گونه در بخش‌های قبلی اشاره شد، فردگرایی زاده‌ی دنیای مدرن است و به همراه خود مفاهیم و الگوهایی را وارد عرصه‌ی اجتماعی زندگی افراد می‌کند. ذهنیت ناشی از فردگرایی معانی عقلانیت، انتخاب آزاد، عدم قطعیت را به همراه دارد. از سوی دیگر جامعه‌ی ایرانی را به‌عنوان جامعه‌ی اسلامی می‌شناسیم، جامعه‌ای که در اصول و مبانی فضایی برای انتخاب آزاد، نسبی‌اندیشی، عدم قطعیت و مفاهیم این‌چنینی را در خود ندارد.

بنابراین به همراه مدرنیته فردگرایی نیز به عرصه‌ی اجتماعی افراد و گروه‌های اجتماعی وارد شده است. به عقیده‌ی دورکیم با افزایش حجم و تراکم جامعه، وجدان عمومی عام‌تر شده و به موازات آن افراد گرایش‌های متنوع‌تری پیدا خواهند کرد. همچنین این تغییرات تحولاتی را در عنصر الهی، ماورایی و دین به‌عنوان سیستمی یک‌پارچه از اعتقادات به‌وجود می‌آورد. بنابراین با ورود عقل و منطق و کنجکاو و مداخله‌ی آنان در قواعد دینی، آنان قدرت و نیروی اولیه‌ی خود را از دست می‌دهند (Aazam Azadeh and Tavakkoli, 2007: 104).

همچنین گیدنز معتقد است فرد در جامعه‌ی پیشامدرن خود را ملزم می‌دید بدون هیچ شک و شبهه‌ای از احکام و قوانین اخلاقی و دینی پیروی کند. برای هر شکل از رفتار شخصی، حکمی از قبل معین شده وجود داشت، که فرد باید پذیرای آن باشد. اما انسان مدرن قابلیت بازاندیشی یافته و این امکان را در خود دیده که می‌تواند این احکام کلی را به نقد بکشد (Sklair, Vosoughi and Mirzaei, 2008: 123-124). در اثر خود به نام جامعه‌شناسی نظام جهانی^۱ اظهار می‌کند، رمز موفقیت نظام‌های پیشرفته یا سرمایه‌داری به نحوه‌ی نگرش انسان‌ها و فرهنگ این جوامع برمی‌گردد که تقویت‌کننده‌ی فردگرایی، تمایل به نوآوری و گریز از مناسک‌گرایی است. در حالی که اذهان سنتی متأثر از جادو و مذهب است، اذهان انسان‌های مدرن متأثر از تفکر عقلانی و تجربه‌ی عملی است (Afroogh, 2005: 28). بنابراین از براین نظرات دورکیم و گیدنز می‌توان انتظار داشت با ورود مدرنیته و فردگرایی به‌عنوان یکی از جنبه‌های مهم آن پایبندی به اعتقادات دینی همانند گذشته نباشد و یا اینکه گرایش‌های دینی موجود بین افراد در برابر برخی از جنبه‌های مفهومی دنیای مدرن ایستادگی کرده و اجازه‌ی افزایش سطح فردگرایی منفی را ندهد.

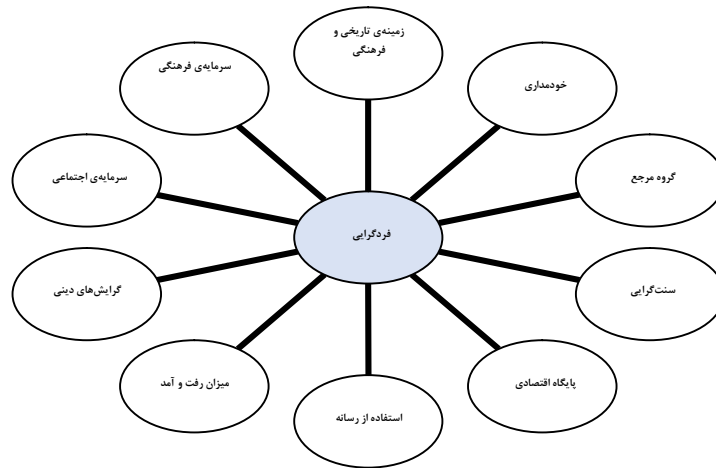
Daniel Lerner در مطالعه‌ای که در سال ۱۹۵۲ در برخی کشورهای آسیایی از جمله ایران انجام داد، بین شهرنشینی، میزان مشارکت و دسترسی به رسانه‌ها ارتباط نزدیکی یافت. وی در این مطالعه به نقش مهم رسانه اشاره کرده است چنان‌که رسانه‌ها می‌توانند با ایجاد همدلی بین مردم نقش مشارکت آن‌ها را تقویت کنند. نقش پررنگ رسانه در قرن بیست و یکم حاکی از پتانسیل بالای تأثیرگذاری آن دارد. تنها کافیست با شناخت مناسب از جامعه و شرایط حاکم بر آن تأثیر مثبتی بر افراد جامعه گذاشت. به عقیده‌ی لرنر رسانه می‌تواند افراد جامعه را به سمت مشارکت بیشتر هدایت کند، بنابراین با

^۱ sociology of the global system

توجه به قدرت رسانه و حضور پررنگ آن‌ها در جامعه می‌توان انتظار داشت رسانه با استفاده از برنامه‌های مناسب و البته با شناخت کافی از جامعه، افراد را به سمت منافع و اهداف جمعی هدایت کند و این خود می‌تواند به‌عنوان ابزاری مهم در سوق دادن جامعه به سمت جمع‌گرایی قلمداد شود.

خانواده‌های سنتی ایرانی با یکدیگر زندگی می‌کردند، می‌توان گفت به‌طور معمول سه نسل در کنار یکدیگر زندگی می‌کرده و بار زندگی را به دوش می‌کشیدند. اما اکنون با تغییر شکل الگوی خانواده‌ی ایرانی می‌توان دید خانواده‌ها غالباً به صورت هسته‌ای زندگی می‌کنند و فرزندان بعد از ازدواج دیگر در کنار خانواده خود نمی‌مانند. از سوی دیگر همسایه‌ها و آشنایان مانند گذشته از یکدیگر خبر نمی‌گیرند و رفت و آمدها بسیار محدود شده است. مرتبط بودن با دیگران یکی از نیازهای اساسی انسان است. حتی می‌توان گفت رفت و آمدهای خانوادگی و خویشاوندی نیز بسیار متأثر از شیوه‌ی مدرن زندگی شده است. زندگی شهری اکنون افراد را به گونه‌ای مشغول و سرگرم کرده که رفت و آمدها در بهترین حالت تبدیل به تماس‌های تلفنی و پیام‌های تلفن همراه شده است. با این حرکت به سمت کاهش رفت و آمدها طبیعی خواهد بود که افراد کمتر از زندگی یکدیگر آگاه، با یکدیگر مشورت و در صورت نیاز به آن‌ها کمک کنند. محتوای روابط اجتماعی کنش متقابل اجتماعی است. پارسونز کنش اجتماعی در جهت تطبیق با هنجارها می‌داند. کنشی که به عقیده‌ی وی باید چهار ویژگی داشته: وجود کنشگر دیگر، وجود هدف برای کنش، وجود هر دو طرف کنش و هنجارهایی که برای دستیابی به اهداف نقش بازی می‌کنند (Giddens, 2009: 530).

اهمیت دادن به کنشگر و هنجارها در نظریات پارسونز را می‌توان به خوبی مشاهده کرد. بنابراین این کنش‌ها باید در راستای منافع جمعی و دیگر کنشگرها باشند. همچنین پژوهش‌های بسیاری به اهمیت روابط اجتماعی اشاره کرده‌اند. این روابط می‌توانند به شکل سرمایه‌ی اجتماعی می‌تواند هم خود را تقویت کند و هم می‌تواند دیگر انواع سرمایه‌ها را افزایش دهد؛ همچنین روابط اجتماعی در حوزه‌ی سلامت به‌عنوان یکی از عوامل مهم در بهبود سلامت روانی و جسمی شناخته می‌شود (Haeriizadeh et al, 2010: 30). در مجموع روابط اجتماعی و رفت و آمد با آشنایان و خویشاوندان می‌تواند باعث بهبود شرایط اجتماعی و فرهنگی شود، بنابراین با افزایش سرمایه‌ی فرهنگی و سرمایه‌ی اجتماعی سطح فردگرایی باید کاهش یابد.



شکل ۱: مدل تجربی پژوهش

Figure 1: Experimental Research Model

فرضیات پژوهش

به‌طور کلی فرضیه‌های مطرح شده این پژوهش عبارتند از وجود رابطه‌ی معنادار بین: (۱) زمینه تاریخی و فرهنگی ایرانیان و فردگرایی؛ (۲) خودمداری و فردگرایی؛ (۳) میزان سرمایه‌ی فرهنگی و فردگرایی؛ (۴) میزان سرمایه‌ی اجتماعی (اعتماد اجتماعی و مشارکت اجتماعی) و فردگرایی؛ (۵) نقش استادان و میزان فردگرایی؛ (۶) سنت‌گرایی و فردگرایی؛ (۷) گرایش‌های دینی و فردگرایی؛ (۸) پایگاه اقتصادی و میزان فردگرایی؛ (۹) میزان رفت و آمد و فردگرایی و (۱۰) میزان استفاده از رسانه‌های ارتباطی و فردگرایی.

روش‌شناسی پژوهش

پژوهش حاضر در دو بخش نظری و تجربی انجام خواهد شد. بخش نظری به روش اسنادی و با استفاده از آثار نظریه‌پردازان مختلف، به‌طور ویژه دورکیم، گیدنز، بوردیو، زیمل، ویلیامز و دیگر صاحب‌نظران انجام شده است. بخش تجربی پژوهش نیز به روش پیمایشی انجام شده و جمع‌آوری اطلاعات با استفاده از پرسش‌نامه بوده است. همچنین برای تحلیل داده‌های بدست آمده از برنامه‌ی SPSS استفاده شده است. جامعه‌ی آماری این پژوهش عبارت است از دانشجویان مقاطع کارشناسی و کارشناسی ارشد که جمعیتی بالغ بر ۹۵۴۰ نفر بوده‌اند. حجم نمونه‌ی پژوهش با استفاده از فرمول کوکران و تعداد ۳۲۰

نفر، تعیین شد. شیوه‌ی تعیین نمونه نیز شیوه‌ی نمونه‌گیری سهمیه‌ای بوده است. اطلاعات گردآوری شده‌ی پژوهش با استفاده از نرم‌افزار آماری SPSS مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند. گویه‌های انتخابی برای ساختن شاخص‌های پژوهش پس از انجام پیش‌آزمون (با نمونه‌ی ۵۰ نفر) به‌عنوان ابزارهای سنجش متغیرهای پژوهش به کار گرفته شدند.

جدول ۱: شاخص‌های اصلی پژوهش و گویه‌های شاخص‌ها

Table 1: Main Research Indicators and Indicators Items

شاخص‌های اصلی پژوهش	گویه‌های شاخص‌ها
Main Research Indicators	Indicators Items
پایگاه اقتصادی - اجتماعی (0/86)	۱. تحصیلات؛ ۲. شغل؛ ۳. درآمد ماهیانه؛ ۴. قیمت تقریبی منزل مسکونی شخصی؛ ۵. قیمت تقریبی اتومبیل شخصی
فردگرایی آلفای کرونباخ: (0/70)	۱. احساس دوری از جمع؛ ۲. خودباوری؛ ۳. رقابت؛ ۴. خوداتکایی و انتخاب شخصی؛ ۵. اعتقاد به توانایی‌های خود
سرمایه‌ی فرهنگی آلفای کرونباخ: (0/80)	۱. دانستن زبان خارجی؛ ۲. رفتن به سینما و تئاتر؛ ۳. خواندن کتاب غیر درسی؛ ۴. دسترسی به اینترنت؛ ۵. آشنایی با نرم‌افزارهای کامپیوتری
اعتماد اجتماعی آلفای کرونباخ: (0/62)	۱. اعتماد به نزدیکان؛ ۲. اعتماد به همکاران دیگران؛ ۳. همکاری؛ ۴. اعتماد به سازمان‌ها و نهادهای اجتماعی؛ ۵. اطمینان به دیگران
مشارکت اجتماعی آلفای کرونباخ: (0/71)	۱. عضویت در گروه‌های اجتماعی؛ ۲. تعامل در سطح جامعه؛ ۳. شرکت در کارهای علمی گروهی؛ ۴. داشتن حس خوب در کارهای گروهی؛ ۵. شرکت در انتخابات ملی و شهری
نقش گروه مرجع آلفای کرونباخ: (0/89)	۱. ترغیب استادان به کار گروهی؛ ۲. سیاست‌های آموزشی و پژوهشی؛ ۳. راهنمایی استادان در کارهای گروهی؛ ۴. عضویت استادان در انجمن‌های علمی؛ ۵. همکاری با دانشجویان
سنت‌گرایی آلفای کرونباخ: (0/82)	۱. اعتقاد به باورهای سنتی؛ ۲. اهمیت دادن به ارزش‌های خانوادگی سنتی؛ ۳. محلی‌گرایی؛ ۴. سنت‌گرایی علمی و ذهنی؛ ۵. مخالفت با تجدد و تغییر
رفت و آمد آلفای کرونباخ: (0/70)	۱. رفت و آمد با دوستان؛ ۲. رفت و آمد با همسایگان؛ ۳. رفت و آمد با آشنایان و خویشاوندان؛ ۴. رفت و آمد با همکاران و استادان؛ ۵. ارتباط تلفنی با دوستان
میزان دین‌داری آلفای کرونباخ: (0/82)	۱. انجام اعمال دینی؛ ۲. اعتقاد به امور دینی و اخلاقی؛ ۳. پیروی از دستورات دینی و اخلاقی؛ ۴. میزان شناخت دینی و اخلاقی؛ ۵. عدم تردید در رابطه با مسائل اخلاقی و دینی
خودمداری آلفای کرونباخ: (0/73)	۱. اهمیت دادن به منافع شخصی؛ ۲. بی‌توجهی نسبت به دیگران؛ ۳. عدم رعایت قانون؛ ۴. عدم تحمل نظرات مخالف؛ ۵. نبود از خودگذشتگی و ایثار
استفاده از رسانه آلفای کرونباخ: (0/73)	۱. استفاده از تلویزیون و ماهواره؛ ۲. تماشای فیلم؛ ۳. گوش دادن به موسیقی؛ ۴. مطالعه‌ی مجله و روزنامه؛ ۵. رفتن به سینما و تئاتر

یافته‌های پژوهش

یافته‌های این پژوهش در بخش مشخصات عمومی پاسخگویان نشان می‌دهد که: به لحاظ قومی اکثریت پاسخگویان این پژوهش فارس بوده‌اند (۲۸۶ نفر، یا ۸۹/۴ درصد، از آن‌ها زبان فارسی را به‌عنوان زبان خود انتخاب کرده‌اند)؛ ۳۴ نفر از آن‌ها نیز از اقوام تُرک، لُر و کُرد بودند. از نظر مذهبی، ۳۱۲ نفر (۹۷/۵ درصد) از پاسخگویان شیعه و ۸ نفر اهل تسنن بوده‌اند. از نظر وضعیت تأهل، ۲۶۳ نفر (۸۲/۲ درصد) پاسخگویان مجرد و ۵۷ نفر (۱۷/۸ درصد) متأهل بوده‌اند. به لحاظ محل سکونت، ۲۹۷ نفر (۹۲/۸ درصد) از آن‌ها شهرنشین و ۲۳ نفر (۷/۲ درصد) روستانشین بودند. به لحاظ جنسیتی ۱۸۹ نفر (۵۱ درصد) از پاسخگویان زن و ۱۳۱ نفر (۴۱ درصد) مرد بودند. به لحاظ تحصیلات ۲۸۲ نفر (۷۵/۶ درصد) از آن‌ها در مقطع کارشناسی و ۷۸ نفر (۲۴/۴ درصد) در مقطع کارشناسی ارشد تحصیل می‌کردند. همچنین ۱۲۶ نفر از پاسخگویان (۶۶/۶ درصد) از دانشجویان دانشگاه کاشان و ۶۳ نفر (۳۳/۴ درصد) از دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی کاشان بودند.

آزمون فرضیات پژوهش

در این بخش از پژوهش فرضیات پژوهش مورد آزمون قرار می‌گیرند. این بخش را می‌توان یکی از مهم‌ترین بخش‌های پژوهش به شمار آورد، زیرا در همین بخش است که فرضیات مورد نظر پژوهش‌گر به محک آزمون گذاشته شده و درستی یا نادرستی آن‌ها مشخص می‌شود. در این زمینه پژوهش‌گر تلاش کرده است از مناسب‌ترین آماره‌ها استفاده کرده و رابطه‌ی بین متغیرها را مشخص کند. در همین راستا جهت سنجش رابطه‌ی بین متغیرهایی که سطح سنجش آن‌ها فاصله‌ای بوده است، از آزمون سنجش همبستگی پیرسون و جهت سنجش رابطه‌ی بین متغیرهای اسمی و متغیر وابسته‌ی پژوهش از ضریب Eta ، آزمون F ، آزمون T و سطح معناداری آن‌ها استفاده شده است. متغیرهای اسمی این پژوهش عبارت‌اند از: جنسیت، وضعیت تأهل و محل سکونت دانشجویان. بقیه‌ی متغیرهای این پژوهش متغیرهای فاصله‌ای بوده و رابطه‌ی آن‌ها با متغیر وابسته‌ی پژوهش در سطح سنجش فاصله‌ای، که بهترین سطح سنجش به شمار می‌آید، مورد سنجش قرار گرفته‌اند.

آزمون رابطه میان متغیرهای اسمی و فردگرایی

جدول ۲: همبستگی میزان فردگرایی و میان متغیرهای اسمی

Table 2: Correlation of Individualism and Nominal Variables

Sig. (F)	F	میانگین	فراوانی	موارد	متغیرها
Sig. (F)	F	Mean	Frequency	Cases	Variables
0/296	1/095	50/59	131	مرد	جنسیت
		51/40	189	زن	
0/358	0/847	2/01	242	کارشناسی	مقطع تحصیلی
		1/93	78	کارشناسی ارشد	
0/496	0/464	38/78	263	مجرد	وضعیت تأهل
		38/10	57	متاهل	
0/905	0/014	38/64	297	شهر	محل سکونت
		38/82	23	روستا	
0/314	1/118	38/88	286	فارس	قومیت
		36/09	11	لر	
		40	3	کرد	
		36/75	20	ترک	
0/539	0/378	38/62	312	شیعه	مذهب
		40/12	8	سنی	

۱- مقایسه‌ی میانگین‌های میزان گرایش به فردگرایی در بین دو جنس (۵۰/۵۹ در بین دانشجویان مرد و ۵۱/۴۰ در بین دانشجویان زن)، مقدار آماره‌ی F (۱/۰۹۵) و سطح معناداری آن (۰/۰۳۵) نشان دهنده‌ی آن هستند که از نظر میزان گرایش به فردگرایی در بین دو جنس زن و مرد (با تعداد کل ۳۲۰ نفر) تفاوت معنادار وجود ندارد.

۲- مقایسه‌ی میانگین‌های میزان فردگرایی در بین دو مقطع (۲/۰۱ در بین دانشجویان کارشناسی و ۱/۹۳ در بین دانشجویان کارشناسی ارشد)، مقدار آماره‌ی F

(۰/۸۴۷) و سطح معناداری آن (۰/۳۵۸) نشان‌دهنده‌ی آن هستند که از نظر میزان فردگرایی در بین دو مقطع کارشناسی و کارشناسی ارشد تفاوت معنادار وجود ندارد.

۳- مقایسه‌ی میانگین‌های میزان فردگرایی در بین دو جنس (۵۰/۵۹) در بین دانشجویان مرد و ۵۱/۴۰ (در بین دانشجویان زن)، مقدار آماره‌ی F (۰/۴۶۴) و سطح معناداری آن (۰/۴۹۶) نشان‌دهنده‌ی آن هستند که از نظر میزان فردگرایی در بین دو جنس زن و مرد تفاوت معنادار وجود ندارد.

۴- مقایسه‌ی میانگین‌های میزان فردگرایی در بین دانشجویان شهری و روستایی (۳۸/۶۴) در بین دانشجویان شهری و ۳۸/۸۲ (در بین دانشجویان روستایی)، مقدار آماره‌ی F (۰/۰۱۴) و سطح معناداری آن (۰/۹۰۵) نشان‌دهنده‌ی آن هستند که از نظر میزان فردگرایی در بین دانشجویان شهری و روستایی تفاوت معنادار وجود ندارد.

۵- مقایسه‌ی میانگین‌های میزان فردگرایی در بین اقوام (۳۸/۸۸) در بین دانشجویان فارس، ۳۶/۰۹ (در بین دانشجویان لر، ۴۰) در بین دانشجویان کرد و ۳۶/۷۵ (در بین دانشجویان ترک)، مقدار آماره‌ی F (۱/۱۱۸) و سطح معناداری آن (۰/۳۱۴) نشان‌دهنده‌ی آن هستند که از نظر میزان فردگرایی در بین اقوام یاد شده تفاوت معنادار وجود ندارد.

۶- مقایسه‌ی میانگین‌های میزان فردگرایی در بین دانشجویان سنی و شیعه (۳۸/۶۲) در بین دانشجویان شیعه و ۴۰/۱۲ (در بین دانشجویان سنی)، مقدار آماره‌ی F (۰/۳۷۸) و سطح معناداری آن (۰/۵۳۹) نشان‌دهنده‌ی آن هستند که از نظر میزان فردگرایی در بین دو مذهب شیعه و سنی تفاوت معنادار وجود ندارد.

در مجموع، داده‌های این پژوهش نشان می‌دهند که متغیرهای جنسیت، مقطع تحصیلی، وضعیت تأهل، محل سکونت، قومیت و مذهب در میزان فردگرایی تأثیری ندارند. در آزمون فرضیات پژوهش نیز مشخص شد که متغیرهای سرمایه‌ی فرهنگی، اعتماد اجتماعی، مشارکت اجتماعی، عملکرد گروه مرجع، سنت‌گرایی، رفت و آمد و گرایش دینی بر فردگرایی تأثیر معنادار و معکوس دارند. متغیر خودمداری نیز تأثیر معنادار و مستقیم بر فردگرایی دارد. متغیرهای پایگاه اقتصادی - اجتماعی و استفاده از رسانه‌های ارتباطی با متغیر فردگرایی ارتباط نداشته‌اند. به‌طور کلی، آزمون‌های رابطه‌ی بین متغیرهای پژوهش نشان می‌دهند که: به موازات بالا رفتن متغیرهای سرمایه‌ی فرهنگی، اعتماد اجتماعی، مشارکت اجتماعی، عملکرد مطلوب گروه مرجع، پایبندی به سنت‌ها، روابط اجتماعی و گرایش دینی، بر فردگرایی دانشجویان افزوده می‌شود و برعکس؛ همچنین، به موازات بالا رفتن میزان خودمداری، میزان فردگرایی بالا می‌رود و برعکس.

جدول ۳: نتایج آزمون‌های روابط میان متغیرهای پژوهش و متغیر «فردگرایی»

Table 3: Test results of the Relationship between the Research Variables and the Individualism Variable

نوع رابطه با متغیر اصلی در تحلیل مسیر	نتیجه‌ی نهایی آزمون	سطح معناداری همبستگی	ضریب همبستگی پیرسون	آزمون‌های آماری و نتایج آن‌ها متغیرهای مستقل
<i>The type of Relationship with the Main Variable in Path Analysis</i>	<i>The final result of the test</i>	<i>Significant level of Correlation</i>	<i>Pearson Correlation Coefficient</i>	<i>Statistical Tests and their Results</i> <i>Independent Variables</i>
فاقد رابطه	وجود رابطه‌ی معنادار و مستقیم	0/006	- 0/155	سرمایه‌ی فرهنگی
رابطه‌ی غیر مستقیم	وجود رابطه‌ی معنادار و مستقیم	0/000	- 0/276	اعتماد اجتماعی
رابطه‌ی مستقیم	وجود رابطه‌ی معنادار و مستقیم	0/000	- 0/219	مشارکت اجتماعی
فاقد رابطه	وجود رابطه‌ی معنادار و مستقیم	0/000	- 0/230	نقش گروه مرجع
رابطه‌ی غیر مستقیم	وجود رابطه‌ی معنادار و مستقیم	0/026	- 0/125	سنت‌گرایی
رابطه‌ی مستقیم	وجود رابطه‌ی معنادار و مستقیم	0/000	- 0/354	رفت و آمد
رابطه‌ی مستقیم	وجود رابطه‌ی معنادار و مستقیم	0/000	- 0/259	گرایش دینی
رابطه‌ی مستقیم	وجود رابطه‌ی معنادار و مستقیم	0/000	0/291	خودمداری
فاقد رابطه	وجود رابطه‌ی معنادار و مستقیم	0/080	0/143	استفاده از رسانه
فاقد رابطه	عدم رابطه‌ی معنادار	0/066	0/103	پایگاه اقتصادی - اجتماعی

رگرسیون چند متغیره و تحلیل مسیر

با توجه به نتایج آزمون‌های روابط میان متغیرهای پژوهش می‌توان گفت که میزان تأثیر خام یا ناخالص متغیرهای مختلف تأثیرگذار بر متغیر تأثیرپذیر گرایش به فردگرایی چقدر است و این که آیا میزان همبستگی میان متغیرهای مستقل و متغیر وابسته به حدی است که بتوان گفت چنین رابطه‌ای میان آن‌ها معنادار است. هر چند این آزمون‌ها معناداری رابطه‌ی متغیرهای مذکور با متغیر وابسته را نشان می‌دهند، اما نمی‌توان با اتکاء به نتایج این آزمون‌ها درباره‌ی میزان اثرگذاری خالص متغیرهای مستقل بر متغیر وابسته به داوری پرداخت. بدین منظور برآورد تأثیر خالص متغیرهای مستقل بر متغیر وابسته ضروری است.

به عبارت دیگر، آزمون‌های روابط میان متغیرها نشان می‌دهند که میان برخی از متغیرهای مستقل و متغیر وابسته رابطه‌ی معنادار وجود دارد، اما آن‌ها نشان نمی‌دهند که میزان تأثیر خالص متغیرهای مستقل بر متغیر وابسته چقدر است.

یکی از رایج‌ترین روش‌هایی که از طریق آن می‌توان میزان تأثیر خالص متغیرهای مستقل بر متغیر وابسته را برآورد کرد روش رگرسیون است. روش رگرسیون همچنین نشان می‌دهد که آیا میان خود متغیرهای مستقل همبستگی وجود دارد یا خیر (Muller, 1999: 299-338). علاوه بر این، از رگرسیون برای پیش‌بینی (امکان وقوع یک پدیده در آینده، با توجه به میزان تأثیر عوامل خاص در زمان انجام پژوهش)، استفاده می‌شود (Saroukhani, 2007: 161).

بدین منظور در این پژوهش نه متغیر مستقل پژوهش (که همگی در سطح اطمینان ۹۹ درصد دارای رابطه‌ی معنادار با متغیر وابسته‌ی پژوهش بودند) انتخاب شده و با استفاده از روش رگرسیون گام به گام^۱ چگونگی روابط میان آن‌ها و متغیر وابسته‌ی پژوهش و همچنین روابط میان خود متغیرهای مستقل پژوهش مورد ارزیابی قرار گرفت.

^۱ Stepwise

جدول ۴: عناصر اصلی تحلیل چندمتغیره به روش گام به گام برای پیش‌بینی گرایش به فردگرایی

Table 4: Principal Elements of Multivariate Analysis by Step-by-Step Method for Predicting Tendency to Individualism

مرااتب ورود متغیرها	متغیرهای وارد شده	R	R ²	R ² تعدیل شده	اشتباه استاندارد
Hierarchy of Entering Variables	Imported Variables	R	R ²	Adjusted R ²	Standard Error
گام اول	میزان رفت و آمد	0/290	0/084	0/081	0/611
گام دوم	میزان خودمداری	0/392	0/153	0/148	0/589
گام سوم	میزان دین‌داری	0/461	0/213	0/205	0/569
گام چهارم	میزان مشارکت اجتماعی	0/478	0/228	0/219	0/564

جدول بالا نشان می‌دهد که از میان نه متغیر مستقلی که دارای رابطه‌ی معنادار و مستقیم با متغیر وابسته‌ی پژوهش بوده‌اند، یعنی، سرمایه‌ی فرهنگی، اعتماد اجتماعی، مشارکت اجتماعی، نقش گروه مرجع، سنت‌گرایی، میزان رفت و آمد، دین‌داری، خودمداری و عملکرد رسانه‌های ارتباط‌جمعی، چهار متغیر، یعنی میزان رفت و آمد، خودمداری، دین‌داری و مشارکت اجتماعی، دارای تأثیر مستقیم بر متغیر وابسته‌ی پژوهش بوده‌اند. همچنین، این جدول نشان می‌دهد که معادله‌ی پیش‌بینی گرایش دانشجویان به فردگرایی دارای چهار گام (مرحله) است. بر اساس جدول مذکور ضریب همبستگی چند متغیره (R) در گام چهارم ۰/۴۷۸ است. ضریب تعیین (R^2) به دست آمده در گام چهارم نیز نشان می‌دهد که چهار متغیر وارد شده به معادله در مجموع می‌توانند حدود ۰/۲۳ (۲۳ درصد) از واریانس گرایش دانشجویان به فردگرایی را پیش‌بینی یا تبیین کنند. به عبارت دیگر، متغیرهای مذکور در مقایسه با دیگر متغیرهای پژوهش بیشترین تأثیر را بر متغیر وابسته دارند. R^2 به دست آمده در تمام مراحل (گام‌های) چهارگانه در سطح اطمینان حداقل ۹۹ درصد از لحاظ آماری معنادار بوده است. با توجه به R^2 به دست آمده در گام چهارم می‌توان گفت حدود ۷۷ درصد ($1 - 0/23 = 0/77$) از واریانس گرایش دانشجویان به فردگرایی توسط چهار متغیر مذکور تبیین نشده است. بنابراین، علاوه بر چهار متغیر مذکور متغیرهای دیگر نیز می‌توانند در گرایش دانشجویان به فردگرایی مؤثر باشند و ضرورتاً نمی‌توان این پدیده را ناشی از متغیرهای چهار گانه‌ی مذکور دانست. در این جدول نیز سایر آماره‌ها برای متغیرهای درون معادله آورده شده‌اند. این آماره‌ها عبارت‌اند از: ضرایب رگرسیون (B) برای نشان دادن نمرات خام متغیرهای درون معادله، ضرایب استاندارد متغیرهای درون معادله ($Beta$) برای نشان دادن تأثیر خالص

متغیرهای درون معادله بر متغیر وابسته (که به آن‌ها ضرایب مسیر^۱ نیز می‌گویند) و مقادیر آزمون «*T*» و «*Sig. T*» برای نشان دادن معناداری ضرایب رگرسیون، ضرایب استاندارد، همبستگی نیمه جزئی و همبستگی جزئی. آزمون «*T*» نشان می‌دهد که ضریب رگرسیون برای چهار متغیر مذکور در سطح حداقل ۹۹ درصد اطمینان از لحاظ آماری معنادار است.

جدول ۵: عناصر متغیرهای درون معادله برای پیش‌بینی گرایش به فردگرایی در گام چهارم

Table 5: Elements of Variables Entered the Equation to Predict Individualism Tendency in Step Four

ردیف	نام متغیر	<i>B</i>	<i>Beta</i>	<i>T</i>	<i>Sig. (T)</i>
Order	Variable Name	<i>B</i>	<i>Beta</i>	<i>T</i>	<i>Sig. (T)</i>
1	میزان رفت و آمد	- 0/283	- 0/254	- 4/998	0/000
2	میزان خودمداری	0/282	- 0/306	6/075	0/000
3	میزان دین‌داری	- 0/244	- 0/224	- 4/328	0/000
4	میزان مشارکت اجتماعی	- 0/137	- 0/130	- 2/510	0/013

به‌طور کلی، جدول بالا نشان می‌دهد که از میان دوازده متغیر مستقل، تنها چهار متغیر توانسته است وارد معادله‌ی رگرسیونی شده و متغیرهای دیگر دارای همبستگی کافی با متغیر وابسته نبوده‌اند که بتوانند وارد معادله‌ی رگرسیونی شوند، به همین دلیل از معادله خارج شده‌اند. توصیف آماری این متغیرها در جدول بعدی آورده شده است.

جدول ۶: عناصر متغیرهای خارج از معادله برای پیش‌بینی میزان فردگرایی در گام چهارم

Table 6: Elements of Variables Out of the Equation to Predict the Level of Individualism in Step Four

ردیف	نام متغیر	همبستگی جزئی	<i>T</i>	<i>Sig. (T)</i>
Order	Variable Name	Partial Correlation	<i>T</i>	<i>Sig. (T)</i>
1	سرمایه‌ی فرهنگی	- 0/040	- 0/703	0/483
2	اعتماد اجتماعی	0/036	0/264	0/519
3	نقش گروه مرجع	- 0/049	- 0/876	0/382
4	سنت‌گرایی	0/031	0/545	0/586
5	استفاده از رسانه‌ها	- 0/001	- 0/018	0/986

^۱ ضریب مسیر کسری از انحرافات استاندارد متغیر وابسته است که عامل معین شده مستقیماً مسئول آن است؛ یعنی کسری است که با تغییر عامل معین شده به نسبت داده‌های مشاهده‌ای و ثبات عوامل دیگر، از جمله باقیمانده‌ها، یعنی عواملی که در تحلیل مسیر لحاظ نشده‌اند، یا خارج از معادله قرار گرفته‌اند، حاصل می‌شود. به عبارت دیگر، ضریب مسیر به تأثیر مستقیم یک متغیر (که علت فرض شده است) در متغیر دیگر (که معلول فرض شده است) دلالت می‌کند» (Kerlinger, 1987: 412).

با توجه به جدول ۶، متغیرهای سرمایه‌ی فرهنگی، اعتماد اجتماعی، گروه مرجع، سنت‌گرایی و رسانه جزء متغیرهای خارج از معادله هستند. البته عدم ورود متغیرهای خارج از معادله به معادله‌ی رگرسیونی ضرورتاً به معنای کم اهمیت بودن آن‌ها از نظر تأثیرگذاری بر متغیر وابسته نیست. این قضیه بدان معناست که متغیرهای خارج از معادله‌ی رگرسیونی در مقایسه با متغیرهای درون معادله‌ی رگرسیونی تأثیر کمتری بر متغیر وابسته دارند. اساساً هیچ‌گاه نمی‌توان متغیرهای خارج از معادله را از نظر اثرگذاری بر متغیر وابسته بدون اهمیت تلقی کرد، مگر آن که اثبات شود هیچ رابطه‌ی معنا داری میان متغیرهای خارج از معادله و متغیر وابسته وجود ندارد. چنین قضیه‌ای در مورد متغیرهای خارج از معادله‌ی این پژوهش نیز مصداق دارد. به‌طور کلی، معادله‌ی رگرسیونی نشان می‌دهد که مهم‌ترین متغیرهایی که می‌توان به واسطه‌ی آن‌ها گرایش دانشجویان به فردگرایی را پیش‌بینی (تبیین) کرد به ترتیب عبارتند از: ۱. میزان رفت و آمد؛ ۲. میزان خودمداری؛ ۳. میزان دینداری؛ ۴. میزان مشارکت اجتماعی.

در این پژوهش برای ترسیم نمودار مسیر ابتدا رگرسیون گام به گام اجرا شد و نتایج آن نشان داد که از میان نه متغیر مستقلی که دارای رابطه‌ی معنا دار و مستقیم با متغیر وابسته‌ی پژوهش بوده‌اند، فقط چهار متغیر مستقل، یعنی میزان رفت و آمد، میزان خودمداری، میزان دین‌داری و میزان مشارکت اجتماعی دارای همبستگی مستقیم با متغیر وابسته‌ی پژوهش (گرایش دانشجویان به فردگرایی) هستند. از سوی دیگر، متغیرهای اعتماد اجتماعی و سنت‌گرایی به واسطه‌ی متغیرهای مشارکت اجتماعی و خودمداری با متغیر وابسته دارای همبستگی بوده‌اند. همچنین میان خود متغیرهای مذکور نیز همبستگی وجود دارد؛ بدین معنا که خودمداری با رفت و آمد دارای همبستگی است. بدین ترتیب در مدل مسیر چهار متغیر دارای تأثیر مستقیم (بی‌واسطه) و دو متغیر دارای تأثیر غیر مستقیم (با واسطه) ترسیم می‌شود. همچنان که نمودار مسیر نشان می‌دهد، از بین چهار متغیر، متغیر خودمداری دارای تأثیر مستقیم بر دیگر متغیرها هستند. این متغیرها عبارتند از: رفت و آمد، دین‌داری و مشارکت اجتماعی. همچنین از بین متغیرهایی که تأثیر غیرمستقیم با میزان فردگرایی دارند نیز باید اشاره کرد، اعتماد اجتماعی بر خودمداری تأثیر معکوس داشته و سنت‌گرایی بر مشارکت اجتماعی تأثیر مستقیم دارد. بنابراین، هر چه اعتماد اجتماعی بیشتر باشد، خودمداری در درجه‌ی پایین‌تری قرار می‌گیرد؛ همچنین، هر چقدر سنت‌گرایی بیشتر باشد، مشارکت اجتماعی بیشتر است.

جدول ۷: آماره‌های مربوط به چهار بار اجرای رگرسیون برای پیش‌بینی متغیر فردگرایی
Table 7: Four-Step Regression Statistics to Predict Individualism Variable

Sig. (F)	F	اشتباه استاندارد	R^2 تعدیل شده	R^2	R	متغیرهای مستقل	متغیر وابسته
Sig. (F)	F	Standard Error	Adjusted R^2	R^2	R	Independent variables	Dependent variable
0/000	23/30	0/564	0/219	0/228	0/478	دین‌داری؛ رفت و آمد؛ مشارکت اجتماعی؛ خودمداری	میزان فردگرایی
0/007	4/07	0/504	0/028	0/037	0/193	دین‌داری؛ رفت و آمد؛ مشارکت اجتماعی	خودمداری
0/000	1/72	0/340	0/007	0/016	0/127	خودمداری	اعتماد اجتماعی
0/023	5/91	0/627	0/020	0/030	0/172	مشارکت اجتماعی	سنت‌گرایی

جدول ۷ نشان می‌دهد که ضریب همبستگی چندگانه یا چند متغیره بین متغیر گرایش دانشجویان به فردگرایی (متغیر وابسته‌ی پژوهش) و چهار متغیر دینداری، رفت و آمد، مشارکت اجتماعی و خودمداری (متغیرهای مستقل پژوهش) ۰/۴۷ است. آماره‌ی R^2 نیز نشان‌دهنده‌ی آن است که ۲۳٪ (۲۳ درصد) از تغییرات واریانس متغیر گرایش دانشجویان به فردگرایی توسط چهار متغیر مذکور تبیین می‌گردد. برای ترسیم نمودار مسیر محاسبه‌ی تأثیر مستقیم و غیر مستقیم متغیرهای مستقل دارای رابطه‌ی معنادار با متغیر وابسته بر متغیر وابسته ضروری است. ممکن است متغیرهای مستقل اثرگذار بر متغیر وابسته - که در درون معادله‌ی رگرسیونی قرار گرفته‌اند - علاوه بر تأثیر مستقیم بر متغیر وابسته دارای تأثیر غیر مستقیم (با واسطه) بر آن نیز باشند. از سوی دیگر، ممکن است برخی از متغیرهای مستقل فقط دارای تأثیر غیر مستقیم بر متغیر وابسته باشند. برای نشان دادن تأثیر مستقیم و خالص متغیرهای مستقل بر متغیر وابسته، ارقام ضرایب مسیر روی برداری که از متغیر مستقل به سوی متغیر وابسته ترسیم شده است درج می‌شوند. میزان تأثیر غیر مستقیم متغیرهای مستقل بر متغیر وابسته نیز از طریق حاصل ضرب مقادیر ضرایب رگرسیونی درج شده روی بردارهای مسیر - از متغیر مستقل تا متغیر وابسته - به دست می‌آید. ممکن است یک متغیر مستقل به واسطه‌ی بیش از یک متغیر مستقل دیگر با متغیر وابسته همبستگی داشته باشد. در این صورت برای محاسبه‌ی میزان تأثیر غیر مستقیم آن بر متغیر وابسته باید ضرایب تأثیر آن در هر مسیر را جداگانه

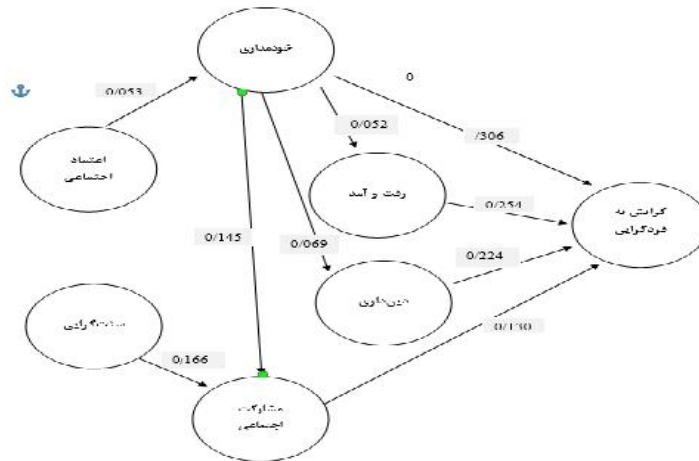
محاسبه نمود و سپس حاصل جمع آن‌ها را به‌عنوان تأثیر غیر مستقیم متغیر مذکور بر متغیر وابسته محسوب کرد. حاصل جمع تأثیرات مستقیم و غیر مستقیم یک متغیر نشان‌دهنده‌ی تأثیر کل همان متغیر بر متغیر وابسته است. ممکن است میزان تأثیر غیر مستقیم برخی از متغیرهای خارج از معادله بر متغیر وابسته حتی از میزان تأثیر متغیر یا متغیرهای خاصی که دارای رابطه‌ی مستقیم با متغیر وابسته‌اند بیشتر باشد و این بدان معناست که به سادگی نمی‌توان برخی از متغیرهای خارج از معادله را به دلیل نداشتن رابطه‌ی مستقیم با متغیر وابسته در ترسیم نمودار مسیر کنار گذاشت.

جدول ۸: تأثیر مستقیم و غیر مستقیم و تأثیر کل متغیرهای مستقل بر «گرایش دانشجویان به فردگرایی»

Table 8: Direct and Indirect Effect and the Total Effect of Independent Variables on Students' Tendency to Individualism

نام متغیر	تأثیر مستقیم	تأثیر غیر مستقیم	تأثیر کل
Variable Name	Direct Effect	Indirect Effect	Total Effect
میزان رفت و آمد	- 0/254	0/000	- 0/254
میزان خودمداری	0/306	0/046	0/352
میزان دین‌داری	- 0/224	0/000	- 0/224
میزان مشارکت اجتماعی	- 0/130	0/000	- 0/130
میزان اعتماد اجتماعی	0/000	- 0/017	- 0/017
میزان سنت‌گرایی	0/000	- 0/021	- 0/021

جدول ۸ نشان می‌دهد که چهار متغیر اول دارای تأثیر مستقیم و دو متغیر نیز دارای تأثیر غیر مستقیم بر متغیر وابسته‌اند. به‌طور کلی، با توجه به جدول بالا، ملاحظه می‌شود که از نظر میزان اهمیت و تأثیر متغیرهای مستقل بر متغیر وابسته‌ی پژوهش در رگرسیون چند متغیره و تحلیل مسیر، مهم‌ترین متغیرها، به ترتیب، عبارتند از: ۱. میزان رفت و آمد (با تأثیر کل $-0/254$)؛ ۲. میزان خودمداری (با تأثیر کل $0/352$)؛ ۳. میزان دین‌داری (با تأثیر کل $-0/224$)؛ ۴. میزان مشارکت اجتماعی (با تأثیر کل $-0/130$)؛ ۵. میزان اعتماد اجتماعی (با تأثیر کل $-0/017$)؛ ۶. میزان سنت‌گرایی (با تأثیر کل $-0/021$).



شکل ۲: نمودار عوامل اجتماعی مؤثر بر گرایش دانشجویان به فردگرایی

Figure 2: Diagram of Social Factors Affecting Students' Tendency to Individualism

خلاصه و نتیجه‌گیری

با توجه به شرایط جامعه‌ی ایرانی و وضعیت اجتماعی و فرهنگی ایران طی سده‌های اخیر، جامعه‌ی ایرانی درگیر مسائل خاص فرهنگی و اجتماعی شده است. فرضیه‌هایی در رابطه با تأثیر متغیرهایی در تضعیف و تقویت پدیده‌ی فردگرایی در این جامعه‌ی آماری با استفاده از نظریات صاحب‌نظران آن مورد بررسی قرار گرفت. متغیرهای خودمداری، ریشه‌ی تاریخی و فرهنگی ایرانیان، سرمایه‌ی اجتماعی (اعتماد اجتماعی و مشارکت اجتماعی)، نقش گروه مرجع، سنت‌گرایی، گرایش‌های دینی، روابط اجتماعی و نقش رسانه بر اساس نظریات اندیشمندان حوزه‌ی خود مورد تحلیل قرار گرفت و تأثیر هر کدام در رابطه با جامعه‌ی آماری پژوهش استخراج شد. در بخش سنجش میزان متغیرهای پژوهش نتایج بدین صورت بدست آمد: میزان فردگرایی دانشجویان متوسط رو به پایین، میزان سرمایه‌ی فرهنگی آنان متوسط رو به پایین، میزان اعتماد اجتماعی بالا، میزان مشارکت اجتماعی بالا، نقش گروه مرجع در فردگرایی پایین، میزان سنت‌گرایی متوسط رو به بالا، میزان رفت و آمد متوسط رو به بالا، میزان دینداری بالا، میزان خودمداری پایین و میزان استفاده از رسانه‌ها متوسط رو به پایین بوده است؛ همچنین جایگاه پایگاه اقتصادی غالب

دانشجویان پایین بوده است. همچنین مشخص شد، از میان نه متغیر مستقلی که دارای رابطه‌ی معنادار و مستقیم با متغیر وابسته‌ی پژوهش بوده‌اند، چهار متغیر، یعنی رفت و آمد، خودمداری، دینداری و مشارکت اجتماعی دارای تأثیر مستقیم بر متغیر وابسته‌ی پژوهش بوده‌اند.

می‌توان گفت حدود ۷۷ درصد ($0/77 = 1 - 0/23$) از واریانس گرایش دانشجویان به فردگرایی توسط چهار متغیر مذکور تبیین نشده است. بنابراین، علاوه بر چهار متغیر مذکور متغیرهای دیگر نیز می‌توانند در گرایش دانشجویان به فردگرایی مؤثر باشند و ضرورتاً نمی‌توان این پدیده را ناشی از متغیرهای چهارگانه‌ی مذکور دانست. همچنین متغیرهای سرمایه‌ی فرهنگی، اعتماد اجتماعی، گروه مرجع، سنت‌گرایی و رسانه جزء متغیرهای خارج از معادله هستند. البته عدم ورود متغیرهای خارج از معادله به معادله‌ی رگرسیونی ضرورتاً به معنای کم اهمیت بودن آن‌ها از نظر تأثیرگذاری بر متغیر وابسته نیست. این قضیه بدان معناست که متغیرهای خارج از معادله‌ی رگرسیونی در مقایسه با متغیرهای درون معادله‌ی رگرسیونی تأثیر کمتری بر متغیر وابسته دارند. در قسمت تحلیل مسیر نیز مشخص شد، ضریب همبستگی چندگانه یا چند متغیره بین متغیر گرایش دانشجویان به فردگرایی (متغیر وابسته‌ی پژوهش) و چهار متغیر دینداری، رفت و آمد، مشارکت اجتماعی و خودمداری (متغیرهای مستقل پژوهش) $0/47$ است. آماره‌ی R^2 نیز نشان‌دهنده‌ی آن است که $0/23$ (۲۳ درصد) از تغییرات واریانس متغیر گرایش دانشجویان به فردگرایی توسط چهار متغیر مذکور تبیین می‌گردد. در مجموع میزان تأثیر کلی متغیرهای مستقل بر متغیر وابسته پژوهش (فردگرایی) بدین ترتیب است: میزان رفت و آمد ($-0/254$)، میزان خودمداری ($0/352$)، میزان دینداری ($-0/224$)، میزان مشارکت اجتماعی ($-0/130$)، میزان اعتماد اجتماعی ($-0/017$)، میزان سنت‌گرایی ($-0/021$).

بنابراین با توجه به نمودار تحلیل مسیر درمی‌یابیم، متغیرهای خودمداری، روابط اجتماعی (میزان رفت و آمد)، دینداری و مشارکت اجتماعی تأثیر مستقیمی بر میزان فردگرایی دانشجویان داشته است. در صورتی که میزان این تأثیر دقت کنیم، مشخص می‌شود با افزایش خودمداری، فردگرایی دانشجویان نیز افزایش یافته است. همچنین دینداری، روابط اجتماعی و مشارکت اجتماعی تأثیر معکوس و مستقیمی بر میزان فردگرایی داشته‌اند. بدین معنا که با افزایش دینداری، مشارکت اجتماعی و روابط اجتماعی میزان فردگرایی دانشجویان کاهش یافته است. همچنین اعتماد اجتماعی و سنت‌گرایی نیز متغیرهایی بودند که تأثیر مستقیم و معکوسی بر میزان فردگرایی دانشجویان داشته است. اکنون با توجه به فرضیات و نتایج پژوهش، با نگاهی جامع و دقیق و بر اساس جامعه‌ی آماری نتایج پژوهش را ارائه خواهیم کرد. بر اساس یافته‌های به دست آمده از نتایج

پژوهش می‌توان گفت غالب دانشجویان همچنان خصوصیت‌های جمع‌گرایانه دارند. اما میزان فردگرایی متوسط رو به پایین بوده است که می‌توان انتظار داشت با توجه به پروسه‌ی مدرنیته و حرکت الگوهای اجتماعی و فرهنگی از شیوه‌ی سنتی خود به سمت شیوه‌های مدرن، باید انتظار فردگرایی بیشتری داشته باشیم. نتایج پژوهش حاکی از آن است که میزان فردگرایی در بین دانشجویان متوسط رو به پایین بوده است. زیرا میانگین میانگین نمره‌ی گویه‌ها (۲/۷۵) بوده است. حال بر طبق فرضیات مطرح شده با توجه به سطح پایین فردگرایی باید جامعه به لحاظ سرمایه‌ی اجتماعی (اعتماد اجتماعی و مشارکت اجتماعی)، سنت‌گرایی، ارتباط اجتماعی، استفاده از رسانه، دینداری در سطح بالا و یا متوسط رو به بالا قرار داشته باشد.

در قسمت آزمون فرضیات مشخص شد کدام متغیرهای با میزان فردگرایی رابطه‌ی معنادار داشته‌اند. بر اساس نتایج به دست آمده، جنسیت، مقطع تحصیلی، تأهل، محل سکونت، قومیت و مذهب به‌عنوان متغیرهای زمینه‌ای رابطه‌ی معناداری با میزان فردگرایی نداشته‌اند. بنابراین مرد یا زن بودن، روستایی و یا شهری بودن، مجرد و متأهل بودن تأثیری در میزان فردگرایی نداشته و دانشجویان تقریباً به یک میزان فردگرا بوده‌اند. از سوی دیگر با توجه به نتایج آزمون پیرسون بین متغیرهای مستقل و متغیر وابسته (میزان فردگرایی)، مشخص شد، همه‌ی نُه متغیر رابطه‌ی معناداری با فردگرایی داشته‌اند. اما فردگرایی با سرمایه‌ی فرهنگی، سرمایه‌ی اجتماعی، دینداری، سنت‌گرایی، روابط اجتماعی و نقش گروه مرجع رابطه‌ی معنادار و معکوس دارد. در حالی که خودمداری و میزان استفاده از رسانه با میزان فردگرایی رابطه‌ی معنادار و مسقیم داشته است. در نهایت بعد از انجام تحلیل چند متغیره به روش گام به گام مشخص شد متغیرهای رفت و آمد، خودمداری، دینداری و مشارکت اجتماعی دارای تأثیر مستقیم بر پژوهش بوده‌اند؛ و متغیرهای سرمایه‌ی فرهنگی، اعتماد اجتماعی، نقش گروه مرجع، سنت‌گرایی و رسانه جزء متغیرهای خارج از معادله بودند. همچنین در بخش تحلیل مسیر که به روش ورود انجام شد، متغیرهای خودمداری، رفت و آمد، دینداری و مشارکت اجتماعی دارای تأثیر مستقیم و متغیرهای اعتماد اجتماعی و سنت‌گرایی دارای تأثیر غیر مستقیم هستند.

پیشنهادات پژوهش

اساساً فردگرایی به‌عنوان یکی از مسائل فرهنگی و اجتماعی جامعه‌ی ایران مورد توجه برخی از محققان قرار گرفته بود. با این حال بر اساس فرضیات و اهداف پژوهش حاضر،

پژوهشی در این زمینه در رابطه با جامعه‌ی دانشجویان شهر کاشان انجام نشده بود. بنابراین هدف پژوهش حاضر بررسی عوامل مؤثر بر این پدیده و شناسایی آن‌ها بود. اکنون بعد از انجام مطالعات زمینه‌ای و پیشینه‌ای در زمینه‌ی فردگرایی و یافتن مناسب‌ترین راه برای سنجش این فرضیات به نتایج پژوهش رسیده‌ایم. حال در بخش حاضر لازم است با توجه به جامعه‌ی آماری، فرضیات و نتایج پژوهش پیشنهاداتی را ارائه نمایم. اکنون بعد از مشاهده نتایج می‌توان دریافت سازوکارها و سیاست‌های آموزشی و پژوهشی در سطح آموزش عالی به اندازه‌ی کافی دانشجویان را به سمت کارهای گروهی و جمعی سوق نداده‌اند. مشخص شد پاسخ‌گویان تمایل کمی به انجام کارهای گروهی و علمی مشترک دارند، راهنمایی و هدایت‌های استادان و سیاست‌های دانشگاه‌ها آنان را ترغیب به انجام کارهای مشترک نکرده است.

به نظر می‌رسد با توجه به حجم بسیار بالای دانشجویان در دانشگاه‌ها و نیازهای علمی کشور در زمینه‌ی پیشرفت و ترقی لازم است، نهادهای آموزشی و پژوهشی کشور با ایجاد امتیازهای ویژه برای کارهای گروهی علمی و پژوهشی دانشجویان را به این سمت سوق داده تا تأثیر مشارکت و همکاری در قشر غالب کشور تقویت شود. افزایش مشارکت و اعتماد اجتماعی در سطح نسل جوان دانشجویان می‌تواند موج مؤثری از اعتماد و همکاری را در کشور تقویت کرده و خصوصیات فردگرایانه و خودخواهانه را کاهش دهد. ترغیب دانشجویان به مسائل اخلاقی و دینی، ارائه‌ی برنامه‌های فرهنگی و اجتماعی با جنبه‌های دینی و اخلاقی تشویق، هدایت مؤثر دانشجویان در راستای جذب شدن به مباحث شناختی و معرفتی و ایجاد جلسات و همایش‌های دینی و اخلاقی در راستای پاسخ به پرسش‌های مطرح شده و کرسی‌های آزاداندیشی می‌تواند دانشجویان را در این زمینه تقویت نماید. در صورت تقویت مشارکت اجتماعی می‌توان انتظار داشت فردگرایی نیز تضعیف شود. حس مشارکت دانشجویان را می‌توان در برنامه‌های علمی، پژوهشی، ورزشی، فرهنگی و اجتماعی برانگیخت. با ایجاد مسابقات علمی و پژوهشی گروهی، برنامه‌های فرهنگی و ورزشی گروهی و یا فردی و تشویق دانشجویان به ایجاد گروه‌های علمی و پژوهشی، می‌توان آنان را به سمت کارهای گروهی و جمعی سوق داد.

پرنگ‌تر شدن تأثیر و حوزه‌ی عمل انجمن‌های دانشجویی و ایجاد رقابت برای دستیابی به منابع مالی و امکانات برای گسترش برنامه‌های خود، می‌تواند انگیزه‌ی بسیاری برای انجمن‌های علمی، پژوهشی و فرهنگی باشد. در این صورت دانشجویان با اشتیاق و انگیزه‌ی کارهای گروهی را پیگیری خواهند کرد. مشارکت و فعالیت در کارهای گروهی

باعث افزایش سرمایه‌ی اجتماعی، افزایش ارتباطات اجتماعی و کاهش فردگرایی و سطح عدم اطمینان و اعتماد نسبت به دیگر دانشجویان می‌شود. رسانه در قرن بیست و یکم به اوج تأثیرگذاری خود رسیده است. اکنون قشر جوان ایرانی با دسترسی به انواع مختلف رسانه در برابر حجم بالای اطلاعات قرار گرفته است. بنابراین می‌توان با استفاده از این فرصت مسائل اجتماعی و فرهنگی جامعه را تشریح و برنامه‌های سنجیده و مناسب را در راستای رفع این مسائل ارائه کرد.

جلسات نقد برنامه‌های تلویزیونی و سینمایی خود می‌تواند به‌عنوان یکی از مهم‌ترین گردهم‌آیی‌های دانشجویان تبدیل شود. در این صورت با توجه به تمایل دانشجویان به تماشای فیلم و محصولات فرهنگی، آنان می‌توانند با وجود فضایی آماده و تحلیلی، تنها مخاطب صرف این برنامه‌ها نباشند. آنان می‌توانند با استفاده از گروه‌های دانشجویی این محصولات را در فضای گروهی به نقد بکشند. آنچه در اینجا می‌تواند این جلسات را به سمت مسائل فرهنگی و اجتماعی برد، حضور استادان رشته‌های مربوطه، مانند علوم اجتماعی، علوم تربیتی، روان‌شناسی و از این قبیل است که با توجه به شناخت مسئله‌ی مورد نظر این‌گونه بحث‌ها را در راستای شناخت بیشتر و ارائه راه حل پیش برند.

در مجموع با توجه به اینکه جامعه‌ی آماری پژوهش حاضر شامل دانشجویان است، امتیاز بزرگ برای تأثیرگذاری مثبت در راستای رفع و یا کاهش اثر منفی این‌گونه مسائل اجتماعی و فرهنگی، حضور آنان در دانشگاه است. بنابراین در صورت برنامه‌ریزی با توجه به شناخت نسبت به دانشجویان می‌توان در مجموع تأثیر بسیاری بر سطح جامعه گذاشت. امید است با توجه به حجم بالای دانشجویان در سطح کشور، ابتدا مسائل اجتماعی و فرهنگی در بین آنان را شناخت و سپس صاحب‌نظران آگاه با توجه به شرایط موجود و شرایط دانشگاه‌ها قدمی مؤثر و مثبت در راستای بهبود شرایط جامعه بردارند.

References:

- Aazam Azadeh, M. and Tavakkoli, A. (2007). "Individualism, Collectivism, and Religiosity", Iranian Association of Cultural Studies and Communication Quarterly, No. 9, Tehran. (Persian).
- Afroogh, E. (2005). Islam and Globalization, Kanoone Andishehye Javan Publications, Tehran. (Persian).
- Asaadi, S. M. (2006). "The Relationship between Individualism and Collectivism with Independent and communicational way of knowing in Iranian and American Students", Cognitive Science News, Vol. 8, No. 1. (Persian).
- Beck, U. and Beck-Gernsheim, E. (2002). Institutionalized Individualism and its Social and Political Consequences, Sage Publications, London.
- Behravan, H. and Alizadeh, A. (2008). "Investigation of Individualism and the factors affecting it among Students of Mashhad Ferdowsi University", Journal of Social Sciences, Faculty of Literature and Humanities, Ferdowsi University of Mashhad, Fourth Year, Fall and Winter, Mashhad, No. 2, Fall and Winter. (Persian).
- Boudon, R. and F. Bourricaud (2006). A Critical Dictionary of Sociology, Translated by Abdolhossein Nikgozar, Contemporary Culture Publications, Tehran. (Persian).
- Chalabi, M. (1996). Sociology of Order (Anatomy and Analysis of Social Order), Ney Publishing, Tehran. (Persian).
- Coleman, J. (2007). Foundations of Social Theory, Translated by Manouchehr Sabouri, Ney Publishing, Tehran. (Persian).
- Coser, L. A. (2009). Masters of Sociological Thought: Ideas in Historical and Social Context, Translated by: Mohsen Salasi, Elmi Publications, Tehran. (Persian).
- De Beer, P. and Koster, F. (2009). Sticking Together or Falling Apart?, Amsterdam University Press.
- Fakouhi, N. (2007). History of Anthropological Thoughts and Theories, Ney Publishing, Tehran. (Persian).
- Ghaneerad, M. A. (2006). "The Role of Students-Teachers Interaction in the Development of Academic Social Capital", Iranian Journal of Sociology, Volume 7, No. 1, Tehran. (Persian).

Ghazi Moradi, H. (1999). *On the Iranians Autonomy*, Armaghan Publishing, Tehran. (Persian).

Ghazi Tabatabaei, M. and S. H. Maraji (2001). "Investigating Factors Affecting Academic Self-efficacy of Postgraduate and PhD Students of Tehran University", *Quarterly Journal of Research and Planning in Higher Education*, No. 19. (Persian).

Giddens, A. (2009). *Modernity and Self-Identity: Self and Society in the Late Modern Age*, Translated by Nasser Movaffaghian, Ney Publishing, Tehran. (Persian).

Green, Eva G. T; Deschamps, Jean-Claude and D. Páez (2005). "Variation of Individualism and Collectivism Within and Between 20 Countries", *Journal of Cross-Cultural Psychology*, Vol. 36.

Haeriizadeh, S. A., Asgharpour M., A. R., Noghani, M. and Miranouri, S. A. (2010). "The Impact of Teacher-Student Social Relations on Students' Academic Success", *Journal of Social Sciences, Faculty of Literature and Humanities, Ferdowsi University of Mashhad*, No. 1, Spring and Summer. (Persian).

Jalaiepour, Hamid Reza and Mohammadi, Jamal (2008). *Recent Theories of Sociology*, Ney Publishing, Tehran (Persian).

Jamshidiha, Gh. and Parastesh, Sh. (2006). "The Dialectic of Habitus and Field in Pierre Bourdieu's Theory", *Quarterly of Social Sciences*, No. 30, Tehran. (Persian).

Javadi Yeganeh, M. R. and Hashemi, S. Z. (2005). "The Conflict between Personal Interest and Social Interest (Social Dilemma) and the factors affecting it", *Quarterly of Social Sciences*, No. 26, Tehran. (Persian).

Javadi Yeganeh, M. R. and Hashemi, S. Z. (2008). "A New Look at the Conflict of Individualism and Collectivism in Sociology", *Quarterly of Social Sciences*, No. 33, Tehran. (Persian).

Kerlinger, F. N. (1987). *Multiple Regression in Behavioral Research*, Translated by Hassan Saraei, Tehran, University Publication Center.

Kivisto, P. (1999). *Key Ideas in Sociology*, Translated by Manouchehr Sabouri, Ney Publishing, Tehran. (Persian).

Moorman, R. H. and Blakely Gerald L. (1955). "Individualism-Collectivism as an Individual Difference Predictor

of Organizational Citizenship Behavior”, Journal of Organizational Behavior, Vol 16.

Muller, J. H. (1999). *Statistical Reasoning in Sociology*, Translated by Houshang Nayebi, Tehran, Ney Publishing. (Persian).

Nateghpour, M. J. and Firouzabadi, S. A. (2005). “Social Capital and Factors Affecting Its Formation in Tehran”, Iranian Journal of Sociology, Volume 6, No. 4, Tehran. (Persian).

Noghani, M. (2007). “The Impact of Cultural Capital Inequality on Preschool Students' Academic Success in Achieving Higher Education”, Journal of Education, No. 91, Tehran. (Persian).

Rahmatpour, R. (1991). “Individualism”, Journal of Culture, No. 9. (Persian).

Rajabzadeh, A. and Kosari, M. (2002). “Political Anomie in Durkheim's Thought”, Journal of Social and Human Sciences, Shiraz University, No. 37, Shiraz. (Persian).

Saroukhani, B. (2007). *Research Methods in Social Sciences*, Volume II, Humanities and Cultural Studies Research Institute, Tehran. (Persian).

Schimmack, U., Sh., Oishi and Ed Diener (2005). “Individualism: A Valid and Important Dimension of Cultural Differences between Nations”, *Personality and Social Psychology Review*, Vol 9.

Sharee Pour, M. (2009). “Investigating Factors Affecting Social Trust in Police Forces (Case Study of Mazandaran Province)”, Journal of Applied Sociology, Vol. 20, No. 36, Tehran. (Persian).

Tabatabaei, S. J. (2001). *An Introduction to the Theory of Iranian Degradation*, Volume I, Negah Institute Publication, Tehran. (Persian).

Vosoughi, M. and Mirzaei, H. (2008). “Individualism: Reflection on Dimensions and Indicators”, Journal of Social Sciences, No. 34, Tehran. (Persian).

Investigating the Factors Affecting Individualism among Students of University of Kashan and Kashan University of Medical Sciences

Asadollah Babaiiffard (Ph. D)¹ and Morteza Barani²

DOI: 10.22055/qjsd.2019.22426.1424

Abstract:

Individualism is considered as one of the main social and cultural issues in Iran which should be analyzed accurately. As Iranian university students are the main bulk of young highly educated people, they can be considered the best group to be analyzed on the consequences of modernism in Iran. Therefore, the present paper by applying a Quantitive research method, through standard questionnaire analyzed Individualism among university students in University of Kashan and Medical University of Kashan. Cultural and social capital, reference group, traditionalism, religious tendencies, social relations, egotism and media are the independent variables of the present paper which are discussed by Durkheim, Bourdieu, Lerner, Coleman and other social scientists. The questionnaire was given to 320 students of both universities, and the results were collected and analyzed by SPSS software. The findings show egotism, religious tendencies, social relations and social cooperation had direct influence while social trust, traditionalism had indirect influence on Individualism.

Key Concepts: Individualism, Cultural Capital, Social Capital, Religious Tendencies, Traditionalism, Egotism

¹ Associate Professor, Department of Social Sciences, University of Kashan, Kashan, Iran (Corresponding Author), babaiefarm@gmail.com

² M. A. in Cultural Studies, University of Kashan, Kashan, Iran, morteza.barani87@gmail.com

